



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



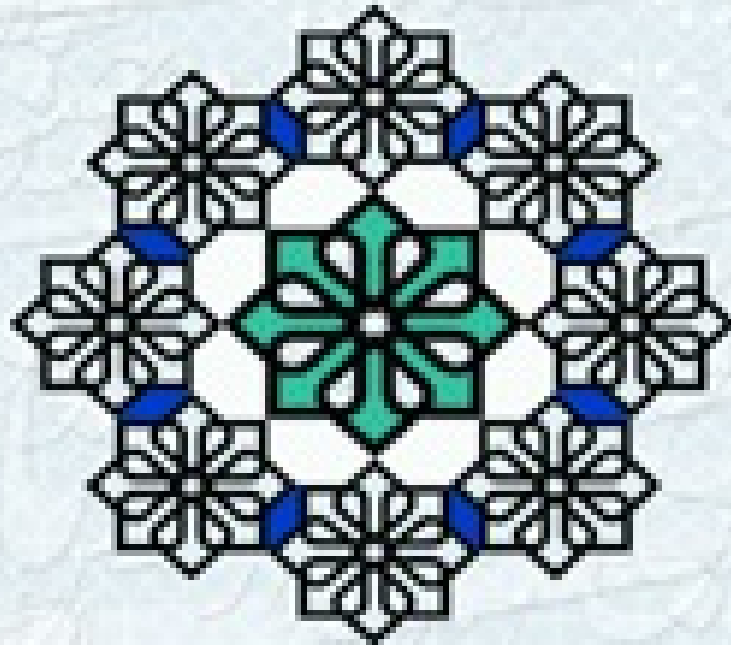
عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

جلد اول

معرفی زنان موفق ایران

حسین کردی



زنان
پاورا
از جنس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زنانی از جنس باور

نویسنده:

حسین کردی

ناشر چاپی:

حکمت فراز

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|-------------------------|
| ۵ | فهرست |
| ۷ | زنانی از جنس باور |
| ۷ | مشخصات کتاب |
| ۸ | اشاره |
| ۱۵ | مقدمه |
| ۱۸ | لیلا اسداله |
| ۲۱ | منیزه امیرزاده |
| ۲۵ | کشور احمدیان |
| ۲۹ | زهره اردبیهستی خیابان |
| ۳۳ | سوسن بیگلری |
| ۳۶ | فرخنده بادروج |
| ۴۱ | زهره بوکائی |
| ۴۵ | گل خانم باقرنیا |
| ۴۹ | شهرزاد پهلوان |
| ۵۲ | منیره پودینه |
| ۵۴ | زهره پرویزی برجویی راکی |
| ۵۸ | ناهید تیره عیدوزهی |
| ۶۱ | مرضیه سادات حسینی |
| ۶۴ | افسانه خیرخواه |
| ۶۷ | شهیندخت ده بزرگی |
| ۷۰ | فاطمه رحیمی |
| ۷۳ | فاطمه رضایی |
| ۷۷ | مهین ریگی |
| ۸۰ | مهرانگیز سالاری |

- ۸۳ عصمت شیخ مومنی
- ۸۷ پریچهره شاهسوند بغدادی
- ۹۱ عصمت شهرکی خمر
- ۹۳ پروین صادق نژاد
- ۹۸ سیده آسیه صادقی
- ۱۰۲ مزگان صفیعی
- ۱۰۵ حسنه عفراوی
- ۱۰۷ سمیه عسگری
- ۱۱۱ ندا فصیحی کرمی
- ۱۱۳ زینب کردی
- ۱۱۸ عشرت کاوه روئین
- ۱۲۰ صدیقه کیوانی
- ۱۲۲ فوزیه میلادی
- ۱۲۵ رومینا رضایی خویی (نازنین زهرا مسرت)
- ۱۲۸ اکرم محبی شاهپوآبادی
- ۱۳۱ کلثوم نجفی
- ۱۳۶ مرحومه ایران نامی
- ۱۳۸ مینا نصیری
- ۱۴۳ شایسته یوسفی شریک آباد
- ۱۴۷ دربارہ مرکز

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» نحل/97

«هر مرد و زن با ایمانی که کار درست و نیک انجام دهد به او حیات پاکیزه می بخشیم و پاداش آنها را بهتر از کارهایی که انجام داده‌اند خواهیم داد.

سرشناسه : کردی، حسین، 1360-

عنوان و نام پدیدآور : زنانی از جنس باور/ مولف حسین کردی.

مشخصات نشر : قم: حکمت فراز، 1399.

مشخصات ظاهری : 118 ص.: عکس؛ 14/5 × 21/5 س م.

شابک : 3-23-7472-622-978

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : زنان خوداشتغال -- ایران -- سرگذشتنامه

Self-employed women -- Biography -- Iran

زنان اهل کسب و کار -- ایران -- سرگذشتنامه

Businesswomen -- Iran -- Biography

کارآفرینی -- ایران -- سرگذشتنامه

Entrepreneurship -- Iran -- Biography

رده بندی کنگره : HD6072/6

رده بندی دیویی : 331/40955

شماره کتابشناسی ملی : 7542863

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

وضعیت رکورد فیبا:

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم نرگس قمی

ص: 1

اشاره

حمد و سپاس به درگاه ایزد منان تنها یاری دهنده عزم کنندگان

تقدیم به

ساحت مقدس حضرت زینب (سلام الله علیها) بانوی صبر و استقامت

تقدیم به همه زنان ایران زمین که هر کدام به نوعی قهرمان واقعی اند

و تقدیم به خواهرم

مهین

که هر چه داریم حاصل ایثار و زحمات اوست

ص: 2

زناني از جنس باور

مؤلف: حسين كردى

ص: 3

نام: کتاب زنانی از جنس باور

مؤلف: حسین کردی

طراح جلد و صفحه آرا مهدی رادمهر

ناشر حکمت فراز

شابک: 978-622-7472-23-3

چاپ اول: 1399

تیراژ: 1000 نسخه

قیمت 30000 تومان

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است

ص: 4

لیلا اسداله 11

منیژه امیرزاده 14

کشور احمدیان 17

زهرا اردیبهشتی خیابان 21

سوسن بیگلری 24

فرخنده بادروج 27

زهرة بوكائى 31

گل خانم باقرنیا 34

شهرزاد پهلوان 38

منیره پودینه 40

زهرة پرویزی برجوبی راکى 42

ناهید تیره عیدوزهی 45

مرضیه سادات حسینی 47

افسانه خیرخواه 49

شهیندخت ده بزرگی 52

فاطمه رحیمی 55

ص: 5

فاطمه رضایی 57

مهین ریگی 60

مهرانگیز سالاری 62

عصمت شیخ مومنی 64

پریچهره شاهسونند بغدادی 68

عصمت شهرکی خمر 70

پروین صادقی نژاد 72

سیده آسیه صادق 76

مژگان صفیعی 80

حسنه عفرای 83

سمیه عسگری 85

ندا فصیحی کرمی 88

زینب کردی 89

عشرت کاوه روئین 93

صدیقه کیوانی 95

فوزیه میلادی 96

رومینا رضایی خوبی نازنین زهرا مسرت 98

ص: 6

معرفی به ترتیب حروف الفبا

اکرم محبی شاهپوآبادی 101

کلثوم نجفی 103

مرحومه ایران نامی 107

مینا نصیری 108

شایسته یوسفی شریک آباد 112

ص: 7

زن در خانواده صاحب جایگاهی مهم و مقدس است تا جاییکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید

زن شایسته یکی از دو عامل پیشرفت خانواده است بحار الأنوار، ج 103، ص 238) بنابراین کانون گرم خانواده به واسطه وجود بی بدیل این گوهر ارزشمند هستی است که شکل میگیرد و به نام مادر دختر و خواهر در خانواده و جامعه نقش آفرینی میکند

امروزه در کشور با زنان و بانوانی مواجه میشویم که علی رغم طی مسیر سخت زندگی برای رسیدن به مراحل کمال و ،خلاقیت مشکلات زیادی را تحمل ، کرده بسی رنجها برده و بی مهریها به جان خرید هاند این گوهرا با ارزش هستی نه تنها باعث پیشرفت ، خانواده گاه با تکیه بر باور خود سرپرست و ناخدای کشتی خانواده در دریای پرتلاطم روزگار گشته اند. شناسایی زنان موفق دستاوردها و استعداد های بومی هر منطقه میتواند در فراهم کردن بسترهای لازم برای دست یابی به جامعه ای پویا موثر باشد و موجب گردد بانوانی که در شرایط سخت زندگی قرار دارند با تاسی بر این بانوان ، خودباور اعتماد به نفس خود را به دست آورند و با استفاده از تجربیات ایشان به جایگاه والایی در جامعه برسند.

اینجانب مفتخرم در طی دو دهه فعالیت در عرصه های مختلف اجتماعی فرهنگی و آموزشی با زنان شایسته و توانمندی آشنایی پیدا کنم که بی شک بخشی از تاریخ این مرز و بوم و امدار تلاشها همت بلند از خودگذشتگی و ایثار این عزیزان میباشد و وظیفه خود دانستم به پاس قدردانی از این همه

بلند، نظری، باور استقامت و صبر این بزرگواران تلاشی هر چند کوچک در جهت معرفی آنان انجام داده باشم

قطعا زنان شایسته و توانمند زیادی در جای جای این میهن پنهان وجود دارند که برای اینجانب فرصت شناسایی فراهم نگردیده و قابل تجلیل می باشند کتاب پیش رو خلاصه ای از فعالیتهای چهل زن موفق است که با وجود تمامی مشکلات از ابتدا تا انتهای جادهی موفقیت را با تحمل رنج های بسیار غالبا بدون هیچ پشتوانه و حامی طی کرده اند و امروز با نگاه به عقبه زندگی و طی این مسیر پرتلاطم آرامشی درونی و توصیف ناپذیر وجودشان را صیقل می دهد.

متنهای زندگینامه و فعالیت این سروران کاملا با نظر و هماهنگی و اجازه ایشان بدین شکل تنظیم گردیده و از زبان این بزرگواران روایت شده است. در پایان خداوند را شاکرم که این توفیق نصیب بنده شده که قدردان زحمات این عزیزان باشم.

حسین کردی

مسئول امور استانهای بنیاد تعاون و توسعه کارآفرینی زنان ایران و مسئول مرکز همیاری آموزش و اشتغال و درمان بیماران صعب العلاج ایران

Hossein.kordi@rocketmail.com

ص: 9



متولد 1358، شهرری فرزند اول، خانواده، مادرم خانه دار و پدرم کارمند ارتش بود تحصیلات ابتدایی را در روستای قلعه نواز توابع شهرری به اتمام رساندم، در هشت سال دفاع مقدس خاطراتم فقط شبهای بمب باران و نبود پدرم بود چون ایشان همیشه شب کار بود و شبها را در محل کار در مهمات سازی ارتش مشغول کار می شدند.

تحصیلات راهنمایی و دبیرستان خود را در شهرری به اتمام رساندم و فوق دیپلم در رشته کامپیوتر و لیسانس مدیریت بازرگانی و فوق لیسانس مدیریت دولتی دانشگاه آزاد تهران مرکز میباشم

همیشه از دانشجویان فعال حوزه فرهنگی و اجتماعی بودم. در دوران دانشگاه که در سال 83 در بسیج مهندسین تهران فعالیت اجتماعی و فرهنگی خود را شروع کردم، در سال 84 واحد بسیج مهندسین شهرری را راه اندازی نمودم و در سال 86 از طرف فرمانداری ری در ثبت نامهای مسکن مهر فعالیت داشتم و به سمت هیات مدیره تعاونی مسکن مهر انتخاب شدم. علاقه زیادی به حسابداری و مطالعه باعث شد در رشته حسابداری به تحصیل خصوصی مشغول شوم. در سال 87 به عنوان کارمند شرکت تعاونی مسکن مهر فعال بودم و در همان سال به عنوان فعال نمونه بسیج مهندسین برگزیده و به مکه مکرمه مشرف گردیدم در سال 88 عضو اتاق فکر تعاون شهرری شدم و لوحهای متعددی را به عنوان عضو فعال در تاسیس شرکتهای تعاونی در شهرستان ری دریافت نمودم. سال 88 با شش نفر از بانوان فعال، اولین شرکت تعاونی حسابداری را به عنوان حسابگستران محک در شهرری تاسیس کردم و 14 کارمند را به خدمت گرفتم در سال 89 به عنوان بانوی کارآفرین و فعال، اجتماعی به امور زنان در نهاد ریاست جمهوری معرفی و در تاسیس بنیاد تعاون و توسعه کارآفرینی زنان ایران جزو 106 زن نخبه کشوری معرفی گردیدم در پایان سال 89 به دلیل عدم آشنایی با بستن قرارداد با شرکت های

مراجعه کننده به شرکت حسابگستران، محک دچار مشکلات مالی گردیده و روزهای سختی را گذراندم ولی با توکل به خدا و همت بیشتر این دوران را پشت سر گذاشته و توانستیم مدیریت مالی شرکتهای بزرگ را به عهده بگیریم در سال 90 به عنوان مدیر مالی مسکن مهر و سرپرست شرکت تعاونی مسکن مهرهشت ری انتصاب گردیدم و سه سال خیلی سخت را گذراندم و به خواست خدا پایان بسیار شیرینی را به همراه داشت و حال که به گذشته فکر میکنم بسیار خوشحالم از این امتحان سربلند بیرون آمدم

در سال 96 به عنوان مدیر عامل بنیاد تعاون و توسعه کارآفرینی زنان ایران انتخاب گردیدم با پیگیریهای مستمر در بنیاد و کمک هیات مدیره و مدیران شعب استانی بنیاد توانستم تعاونیهای متعددی را در کشور به ثبت برسانم و تفاهم نامههایی از جمله تفاهم نامه با بانک توسعه و تعاون و تسهیلاتی در تعاونیهای کل کشور و گرفتن نمایندگی کشوری صندوق ضمانت و سرمایه گذاری تعاون انعقاد تفاهم نامه با سازمان فنی حرفه ای کشور در راستای آموزش تعاونگران و کارآفرینان کشوری و دریافت تنها کد اعتبار سنجی کشوری از وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی و برگزاری همایشها و نمایشگاههای کشوری و استانی در راستای فروش محصولات تعاونگران در سال 98 با توجه به مشکلات به وجود آمده و ویروس کرونا در کشور توانستیم تعداد زیادی از تعاونگران در حوزه پوشاک را راهنمای و به سمت دوخت البسه بیمارستانی و ماسک هدایت کنیم تا کمکی به بحران به وجود آمده داشته باشم و در سال 99 در حال آموزش تعاونیهای برای حضور آنها در بازارهای مجازی و تلاشهایی در جهت تغییر نحوه فروش محصولات آنها داشته باشم در حال حاضر عضو هیات مدیره و سرپرست شرکت تعاونی مسکن مهر ری

مدیر عامل شرکت تعاونی حسابگستران محک

مدیر عامل شرکت بهینه گستران محک

مدیر عامل بنیاد تعاون توسعه کارآفرینی زنان ایران

عضو کارگروه مرکز همیاری آموزش و اشتغال و درمان بیماران صعب العلاج ایران

در طول این مسیر شاهد مشکلات و سختیهای زیادی بوده ام و چون از نزدیک با افراد زیادی ارتباط داشته و با مشکلات متعدد آنها مواجه می گاهامی توانستم کاری برایشان پیش ببرم دلسرد میشدم که با توکل بر خدا و حمایتهای بی دریغ پدر و مادرم از این مراحل به خوبی عبور کرده ام و همیشه قدردان زحمات این عزیزانم هستم جمله ای که به عنوان یادگاری میتوانم خدمت همه عزیزان عرض کنم این هست ، که در زندگی با توکل بر خدا هر کاری را شروع کنید و پشتکار و صبر هم در کنارش داشته باشید به هر آنچه آرزو دارید خواهید رسید و این سه عنصر در کنار یکدیگر ضامن موفقیت خواهند بود

ص: 13



متولد 1346 استان هرمزگان شهرستان رودان روستای گشونیه آموزشیار نهضت سواد آموزی از سال 62الی 68

تحصیل در حوزه علمیه خواهران قم و کارشناسی دینی عربی کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب

شاغل در آموزش و پرورش

دبیر کارشناس تکنولوژی آموزشی متوسطه اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان مشاوره امور بانوان و خانواده اداره آموزش و پرورش

شهرستان رودان

مشاور فرماندار

معاون آموزش ابتدایی اداره آموزش و پرورش شهرستان رودان از سال 90الی 92 مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودان پیام نور و

فرهنگیان

مبلغ مذهبی

عضو بسیج خواهران از سال 64 تاکنون رده های مختلف بسیج، مربی عقیدتی، سیاسی، هادی ارشد سیاسی مسئول- فرهنگی بسیج

خواهران استادیار

صالحین....

عضو شورای اسلامی شهر و شهرستان رودان

خواهر 6 رزمنده و دوجانباز و یک مدافع حرم

مادر مدافع حرم (جانباز)

عضو مؤسسه حضرت ابوالفضل عباس (کمکهای مؤمنانه)

همکاری با بنیاد شهید و امور ایثارگران کمیته امداد امام خمینی (ره)

موانع بسیار فراونی در مسیر زندگی 53 ساله ام، بوده از افتادن در آتش درسه

ص: 14

چهار ماهگی افتادن در چاه در 10 سالگی تا زندگی مشترک در سن سیزده سالگی که مشقات طاقت فرسایی پشت سر گذاشتم.

مادر پنج فرزند هستم چهار دختر و یک پسر دارای تحصیلات عالی، در دوران تحصیل در شهر مقدس قم با چهار فرزند که در سال دوم تحصیل پنجمین فرزندم در سن 28 سالگی متولد شد همسرم در آن دوران مجبور شد بخاطر فرزندان برادر مرحومش نتواند ما را همراهی کند و تا برگشت از قم، مسائل مشکلات عدیده ای بر سر راه ما بود.

در زندگی فرصت ناامیدی نداشتم باورم از شعرها و داستانهای دوران کودکی که پدرم برای ما میخواند و در کتابهای درسی پر مفهوم می خواندیم شکل، گرفت شعری بود درباره گردو که دیگران کاشتند و ما خوردیم مابکاریم تا دیگران بخورند

در خانواده ای مومن و معتقد بزرگ شدم و قرآن را در کودکی یاد گرفتم. سخت کوشی که مادر و پدرم به ما آموزش عملی دادند، عامل بسیاری از موفقیتهای من بود

افراد تاثیر گذار در زندگی ام؛ اهل بیت (علیهم السلام)، پدرم دوست و همراه و همرازم، بود مادرم سختگیر و خشن و برادرانم با غیرت و مهربان همسرم که با هم

بزرگ شدیم، دعواها ناسازگاری، ها صبر و ساختها و عامل موفقیتیم در درس و کارهای اجتماعی مدیر مدرسه ام در دوره راهنمایی سرکار خانم شوکت معتمدی، پر جذبه جدی و در عین حال دوست داشتنی، همسایه پیرزن و پیرمردی که در، کودکی شیطنتها و سوالات پی در پی من را صبورانه و عاشقانه جواب میدادند

در زندگی جملات زیر سر لوحه من بوده اند

■ گذر زمان زودتر از آنی هست که فکرش بکنی

عمر سختی کوتاه است

خداوند کار خودش را انجام میدهد خود را در مسیرش قرار بده

سختکوش باش ولی به هیچ چیز دنیا دل مبنده ماعندکم ینفدو ما عند الله

- کیسه ای از بذر محبت به همراه داشته باش و بر هر زمینی پاش

ص: 16



متولد 1343 بندر عباس متاهل و دارای سه فرزند دختر لیسانس رشته گردشگری حرفه ای

از بچگی علاقه مند به صنایع دستی و هنرهای دستی، شعر خوانی و داستان نویسی کوتاه بودم

قبل از ورود به بازار رسمی کار مهارت‌هایی نظیر گلدوزی، ماشین نویسی، گلسازی عکاسی و کمک‌های اولیه را یاد گرفتم

تمام تلاشم برای تشویق دیگران به مطالعه و کتابخوانی بوده است هم چنین بیشتر پولهای تو جیبی من صرف خرید کتابهای داستان و رمان می شد، در خانه کتابخانه سیار داشتم و کتاب هدیه میدادم یا به صورت امانت به اطرافیان میدادم

فرزندانم خود مراقبتی را آموزش دیده‌اند و در تصمیم‌گیری‌ها و اهداف آینده خود، را آزادانه تصمیم می‌گیرند علاوه بر برنامه ریزی خصوصی و شخصی برای زندگی‌شان با من و همسر دوست هستند و صمیمانه در هر کاری که نیاز باشد همراه هستند. مهارت‌های اشتغال زایی و کار آفرینی برای زنان سرپرست و بد سرپرست، خانواده توانمند سازی، عمومی راهنمای، تور آموزش مبانی اکوتوریسم، صنایع دستی قوانین مرتبط با صنعت گردشگری آموزش جوامع محلی دخیل در صنعت گردشگری با کمک مراجع ذی ربط آموزشی مانند دانشگاه جهاد، دانشگاهی علمی کاربردی در کارنامه خود دارم رها کردن محدودیت‌های ذهنی و تلاش برای نجات بشریت در حد توان از اهداف همیشگی من است با اعتقاد به این که آموزش سر لوحه سامان دادن در هر ساختار غلط است.

مداخله همیاری در بحرانهای اجتماعی مانند جنگ سیل، زلزله و کمک‌های داوطلبانه با کمک نیروهای انسانی مورد اعتماد از دیگر فعالیتهای اجتماعی فرهنگی است که همیشه دنبال می‌کنم در حال حاضر آن چه که به دنبال آن

هستیم توسعه پایدار صنعت گردشگری برابر با استانداردهای جهانی است. در سال 1384 فعالیت کار گروهی از نظر اقتصادی با تاسیس موسسه کرایه اتومبیل توریستی فاطیما ویژه بانوان با اهداف کار آفرینی برای زنان سرپرست و بد سرپرست خانواده شروع کردیم و در این راستا تعداد بیشماری از افراد مستعد (حدود 400 نفر آموزش دیده و به شغل‌های دیگر ارتقا پیدا کردند تا الان این فعالیت ادامه دارد و با کمک همدیگر این موسسه را می‌چرخانند و در درآمد اقتصادی خودشان دخیل هستند.

در این موسسه در هر فرصتی که پیش بیاید علاوه بر رانندگی به صنایع دستی بومی هم می‌پردازند و شلواری بندری لباسهای سنتی و ابزار لازمه کاری مانند خوص، بافی شک بافی و ... انجام می‌دهند.

آنچه در کارنامه خود دارم

موسس موسسه کرایه اتومبیل توریستی بانوان فاطیما در راستای کار آفرینی همیشگی در ارتقای شغلی و جایگزینی نیروهای تازه کار و هدایت بقیه افراد برای شغل پایدار

موسس شرکت خدمات گردشگری نگاه بندر از سال 1390 تا الان در راستای تکمیل فعالیت در عرصه گردشگری با داشتن نیروهای مجرب موفقیت ملی این شرکت در ارائه خدمات بهینه به مردم و جذب توریست به استان هرمزگان و برگزیده ملی در توسعه تورهای داخلی ایران، کار آفرین برتر در صنعت گردشگری از سال 1393 راهنمای برتر در کادر اجرایی خود و انتخاب کشوری از سال 1391 تخصص در ارائه خدمات حمل و نقل، تورهای داخلی و، خارجی صنایع دستی و تهیه بلیط و ویزا فعالیت‌های مردم نهادی که قبل داشتم منجر به تاسیس موسسه مردم نهاد حامیان صنعت گردشگری شد.

موسس انجمن راهنمایان استان هرمزگان در سال 1394 و تاسیس این موسسه باعث پیوستن راهنمایان گردشگری به جمع کانون راهنمایان ایران و فدراسیون گردشگری

جهانی شد و در حال حاضر چرخاننده این انجمن راهنمایان گردشگری هستند.

ایجاد تفاهم نامه های همکاری با سه شهر خلاق، اصفهان، رشت و سنندج در راستای شرایط مرتبط با یونسکو

ایجاد تفاهم نامه با دانشگاه علوم پزشکی و همکاری داوطلبانه ایجاد تفاهم نامه با جهاد دانشگاهی

ایجاد تفاهم نامه با شهرداری بندرعباس و شهرداری قشم

در حال حاضر علاوه بر کارهای گذشته که داوطلبانه ذکر شد:

کمک به توسعه روستاهای هدف گردشگری تقویت مکان ها و ابنیه های، تاریخی حفظ میراث معنوی و میراث تاریخی نیاکان ما و گسترش بخش حمل نقل و صنایع دستی از اهداف پیشرو است.

در زندگی هیچوقت ناامید نشدم چرا که از پدر و مادرم یاد گرفتم اگر یک در به روی ما بسته شد خداوند درهای دیگر و بیشتری را به روی ما باز میکند و پشت سرم نیروهای انسانی و فادار آموزش دیده را دارم که به امید آنان امیدوار هستم. تا پاسی از شب مدام در حال مشاوره رایگان به افراد نیازمند در آموزش بحرانهای دخیل در زندگیشان هستم دعای ما همیشه این است که خداوند در هر مرحله از زندگی پشت سرتان است و تو را رصد می کند با خدا باشید.

موانع زیادی جلو راهم سبز شدند اما با اعتقاد به این که هر کسی اختیار خودش را دارد و تو هم اختیار خودت را داشته باش و از راه و دریچه دیگری هدفت را دنبال کن

تاثیر گذاری افراد در زندگیم

پدرم مادرم برادرهایم، خواهرهایم، همسرم، فرزندان نیروهای انسانی اطرافم، ارباب رجوعها و مردمی که همیشه با آنها در صحنه بودیم زندگی سرشار از شادمانی است. و شادمانی را پاس بدار.

هر آنچه بر خود میپسندی برای دیگران هم آرزو کن. تاریخ به ما می آموزد که داستانهای تکراری مانند پازل در زندگی هستند و انسانها واسطه تکرار تاریخ هستند تا میتوانید برای داشتن جامعه سالم،

پویا و شاد تلاش، کنید قدر داشته ها را بدانید بخشش کنید و آموزش مهارت فرا بگیرید فرا گرفتن دانش تکنولوژی و مهارت آموزی فرصت حسادت و کینه ورزی را از ما میگیرد و در کسب قدرت عادلانه گام بر میداریم، ذخایر ملی را متعلق به حال و آیندگان بدانیم و در حفظ میراث معنوی و تاریخی نیاکان مان متعصب باشیم

ص: 20



متولد 1342 آبادان

خواهر شهید - مؤلف کتاب - بانوی قرآن پژوه - مدیر نمونه در بین آموزشگاههای کشور - مربی نمونه صنایع دستی در بین مربیان کشور - تدوینگر استانداردهای آموزشی - کارآفرین نمونه ملی - فوق لیسانس هنر - دارای شرکت تعاونی نمونه در کشور و استان

دارای 4 فرزند دو دختر و دو پسر که دختران مرضیه و راضیه خرم دل در راستای اهداف و با دارا بودن مجوزها و مدارک مهارتی به عنوان مربی و مدیر در حوزههای مختلف فعالیتهای چشمگیری انجام میدهند در خصوص آموزش و تولید قلم زنی، مصطفی فرزند ارشدم فعالیتهای تولیدی و آموزشی را انجام میدهد و مجید خرم دل پسر کوچک هم آتش نشان میباشند خدارو شکر با تمام سختیها و مشغله کاری فرزندانم گام های خوبی در به ثمر رسیدن اهدافم برداشته اند همسرم علیرضا خرم دل که بازنشسته نیروی دریایی می باشد پا به پای من و دوشم به دوشم فعالیت می کند.

مهارتها و دورههای متعدد زیادی را طی نموده ام و سالها تلاش کرده ام که در کنار تعلیم و آموزش به دیگران خودم نیز مهارتهای جدید بیاموزم

فعالیتهای آموزشی اجتماعی و فرهنگی زیادی نیز داشته ام . از سن 9 سالگی عاشق کار شدم و با شرکت در کلاسهای متفاوت با حمایت مادرم توانستم دورههای خوبی را در سازمان زنان آن زمان آموزش بینم و در نمایندگی چرخ آموزش کامل را سپری کنم، از سال 1360 آموزشگاهی افتتاح کردم و با توجه به این که زمان جنگ بود و ما جنگ زده بودیم از طرف بنیاد اعلام کردند که اگر کسی هنری دارد میتواند با مراجعه به بنیاد شروع به کار کند و من چون به خودم اطمینان داشتم و با این که 18 سال داشتم ولی واقعاً توانمند بودم آموزش را در بنیاد شروع کردم با مساجد محلات برای آموزش

همکاری میکردم در بنیاد شهید شروع به آموزش به زنان جنگ زده و همسران شاهد را شروع کردم و توانستم رفع مشکلات روزمره را به زنان و دختران آموزش بدهم و در بخشهای فرهنگی با صدا و سیما مرکز خلیج فارس همکاری داشتم و آموزشهای تلویزیونی را راه اندازی کردیم با کمیسیون بانوان آن زمان و کمیته امداد که جدید افتتاح شده بود و بهزیستی وارد قرارداد شدم و آموزشهایی جهت خودکفایی و و تامین معاش راه اندازی کردم که خیلی خوب جواب داد در طی سالها توسعه کارگاههایم را به جد دنبال؛ و زنان و دختران بیشتری را وارد بازار کار میکردم راه اندازی کارگاه خیاطی که اول آموزش و بعد تولید بود در زندان مرکزی استان هرمزگان که در راستای تولید لباسهای زندانیان در کارگاه بود و راه اندازی کارگاه از صفر تا صد به عهده خودم بود و تولیدات شهرستانهای تابع استان برای زندانها در کارگاه صورت میگرفت

و من از کاری که برای زندانیان میکردم بسیار خوشحال بودم چرا که نور امید در زندگیشان روشن می، شد از سال 98 به عنوان بازرس کانون انجمنهای صنفی کارفرمایی استان هرمزگان انتخاب و انجام وظیفه میکنم

و از طرف کانون آموزشهای آزاد به عضویت کمیته امور مجلس و دولت کانون انجمنهای صنفی کارفرمایی آموزشهای فنی و حرفه ای آزاد کشور منصوب شدم .

و در استان هرمزگان در اداره کل صنایع دستی و گردشگری بعنوان نماینده کارفرمایان و هیات تشخیص شهرستان بندرعباس منصوب شدم که برای من واقعاً باعث افتخار میباشد. همچنین بعنوان رئیس انجمن صنفی کارفرمایی آموزشگاه های آزاد خیاطی زنانه استان هرمزگان انتخاب شدم

و در سال جهش تولید 1399 به عنوان کارآفرین برتر از سوی سازمان آموزش فنی و حرفه ای انتخاب شدم لازم به ذکر است هیچ موفقیتی بدون از خودگذشتگی و پشتکار به ثمر نمیشیند

قطعا در طول این مسیر مشکلات و موانع زیادی در جلوی راه ما بوده و هست که با توکل و تلاش مضاعف از آنها عبور کرده ام و خداوند را شاکرم که سربلند بیرون آمدم تاثیرگذارترین شخص در زندگی ام مادرم بود با اینکه سواد نداشت همیشه میگفت دختر باید روی پای خود باشد

همچنین پدرم و خانم نسرین سنقری که همسایه ما بود و همیشه به من میگفت تو توانایی زیادی داری خودت را پیدا کن من قبل از ازدواج در راه هنر و فعالیت گام برداشته بودم

با حمایت‌های همسرم کار و مدارکم را توسعه دادم و توانستم مدارج بالاتر بگیرم، فرزندانم همیشه میگفتن مادر چون عاشق کارت هستی ما همه سختیها را کنارت تحمل میکنیم چرا که اگر شما موفق باشید زندگی ما هم بهتر خواهد شد.

در زندگی اگر توکلت به خدا باشد هیچ گاه تنها نیستی و دستت را می گیرد. همانطور که دست من را گرفته همیشه

به قول معروف کارخوبه خدا درست بکنه...



اینجانب سوسن بیگلری مدیر و مؤسس آموزشگاه طراحی دوخت و طراحی لباس طرح دیباگران ایرانیان هستم و رئیس شرکت تعاونی بنیاد تعاون و توسعه کارآفرینی زنان از سال 1360 آموزشگاه خود را در میدان فردوسی تهران تأسیس کردم و از همان سال شروع به آموزش زنان و دختران جامعه نمودم، در زمانی که جنگ ایران و عراق در جریان بود با همکاری بنیاد شهید تعداد زیادی از آنان شروع به تولید پوشاک جبهه میکردند مسلماً این کار احساس غرور و رضایت به من میداد بنده از زمان کودکی علاقه زیادی به کار کردن و کسب درآمد داشتم و همیشه سعی میکردم از کوچکترین امکانات برای یادگیری هنر استفاده کرده و از نظر مالی خودکفا شوم. در دوران ابتدایی جزو شاگردان ممتاز بودم، واقعاً روحیه بسیار شاد و سرزنده ای داشتیم، آن سالها از بهترین سالهای عمر من بود بعد از پایان دوران دبیرستان ازدواج کردم ولی صرف ازدواج کردن مرا از تصمیم خودم دور نکرد و برای تکمیل حرفه خود نزد اساتید و مراکز بسیاری کار یاد گرفتم و دوره های مقدماتی خیاطی را گذراندم و موفق به دریافت گواهینامه شدم

یادم هست که در یک خیاط خانه که مدیرش شخصی بنام حسن آقا توانستم خیاطی و اتوکاری و دوخت و دوز یاد بگیرم البته بصورت حرفه ای و مدت 2 سال از 8 صبح تا 4 بعدازظهر به کار و آموزش و الگو سازی در خیاط خانه ایشان مشغول بودم و انصافاً بقدری استاد بود که کار را به نحو احسن به من یاد داد و اولین چیزی که از ایشان یاد گرفتم سلیقه و تمیزی دوخت و نصایح ایشان بود که همیشه میگفت استاد نباید کار را از شاگردش بدزد و باید به نحو احسن آموزش بدهد و کار را صحیح و درست آموزش بدهد و بعضی وقتها حتی در هنگام دوخت و دوز و اتوکاری با من مشاجره و دعوا میکرد پایان دوره مصادف شد با بازگشایی آموزشگاهم در امتحانات ورودی سال 1360 سازمان فنی حرفه‌ای توانستم مدرک تخصصی تأسیس آموزشگاه را بگیرم و بعد از مدتی که در آموزشگاه تدریس میکردم بفکر راه اندازی تولیدی لباس شدم و

برای این کار ابتدا در یکی از اطافهای منزل شروع به تولید کردم و پارچه توپی از بازار میگرفتم و میدوختم و بعد از آماده شدن نمونه کار بازاریابی میکردم و سفارشات میگرفتم بتدریج کار تولید را توسعه دادم و تصمیم گرفتم دفتر یا کارگاهی برای این کار اجاره کنم از اتحادیه صنف پوشاک جواز کار گرفتم و چند نفر از دخترها یا زنانی که در آموزشگاه پیش خودم کار یاد میگرفتند استخدام کردم تا ضمن یادگیری بهتر کمک خرج خانواده شان باشند.

حالا دیگر کار برای من تفریح نبود با وجود همسر و فرزندانم برایم حیاتی بود زیرا همسر مشکل کاری پیدا کرد و مدتی بیکار شد و ناچار با من به کار تولید پرداخت و مسئول خرید تولیدی شده و کمک زیادی در این مورد به من می.کرد در سال 1385 برای یک دوره کوتاه مدت به کشور ایتالیا و فرانسه رفتم و در مدرسه مد پلی مد دوره تخصصی دیدم و در سالهای بعد تعدادی از همکارانم را نیز با خودم همراه کردم تا از تجربیات این مراکز استفاده کنیم و بیشتر از فروشگاهها و مراکز تولیدی و آموزشی تجربه های بسیار مفیدی بدست آوردم کم فکر توسعه صادرات به سرم زد و با ارسال چندین مدل از بلوزها و پوشاک تولیدی به مرکز توسعه صادرات توانستم سفارشات خوبی بگیرم که از کشور روسیه و شهر مسکو بود و از طرفی با شرکت تولیدی تیم متعلق) به مرحوم علی (توکلیمان همکاری کردم و ایشان پوشاک تولیدی ما را به فرانسه صادر میکردند از طرفی همیشه در تمام نمایشگاه های داخلی هم شرکت میکردم و سعی میکردم بهترین غرفه را با بهترین پوشاک ارائه کنم در یکی از این نمایشگاهها با مدیرعامل بنیاد تعاون و توسعه کارآفرینی زمان آشنا شدم و ایشان از بنده بعنوان یک بانوی کارآفرین دعوت به همکاری کرد و من هم قبول کردم سپس ایشان گفتند شما به عنوان عضو هیأت مدیره خود را کاندید کنید و سهام هم بخرید بنده قبول کردم و اتفاقاً در انتخابات شرکت کردم و توانستم با رأی بالایی عضو هیأت مدیره بنیاد بشوم و در حال حاضر در اکثر استانهای کشور دارای نمایندگان بسیار فعالی هستیم و این عزیزان بدون هیچ کمک دولتی در جهت ایجاد اشتغال برای زنان و دختران و آموزش به آنها و توسعه کارآفرینی کمکهای شایانی به جامعه زنان میکنند.

در کنار همه این مسئولیتها بنده سالیان متمادی کارشناس تهیه و تدوین استانداردهای آموزشی در زمینه صنایع پوشاک بودم و در این زمینه تعداد زیادی کتاب تألیف کرده و در اختیار شرکت تعاونی سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور قرار داده و قراردادهائی هم با آنها در این زمینه منعقد کردم و اکثر استانداردهای آموزشی را نیز نوشته و تدوین کرده ام از طرفی ده سال پیش موفق به تأسیس شرکت طرح دیباگران ایرانیان که در حقیقت همان آموزشگاه خودم بودم و این بار توانستم موفق به دریافت مدرک اولین شرکت تخصصی پوشاک شده و اکثراً برای آموزش مربیان و کمک مربیان فنی و حرفه ای میباشد کتابهایی که بنده تاکنون تألیف کرده ام عبارتند از مجموعه سئوال همراه با پاسخ جهت آزمون هنرجویان فنی و حرفه ای - نازک دوزی ضخیم دوزی شلواردوزی و مانتودوز میباشد از طرفی اخیراً اقدام به ثبت برند آموزشی خود کرده ام که در صورت دریافت آن اقدام به ارائه مدرکهای تخصصی به هنرجویان مستعد و موفق خواهم کرد

تاثیرگذار ترین افراد زندگیم

پدر و مادرم

معلم هایم، زنی که در خانه ما عروسک میدوخت

دوستانم

خواندن سرگذشت انسان های موفق

سرگذشت خانم شانل دختری که در پرورشگاه بزرگ شده و در نهایت جزء بهترین برندهای دنیا شد

زندگی نامه چارلی چاپلین

داستان زندگی پدر لیندالوپی بنیان گذار شرک پلی مدا در فلورانس ایتالیا

سرگذشت بیژن طراح لباس که یک از برندهای معروف جهان شد و باعث افتخار ایرانیان است

من این شعر را همیشه سرمشق زندگی خود قرار داده ام که

نامبرده رنج گنج میسر نمیشود

مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

ص: 26



در یکی از روزهای تابستان سال 1365 در جزیره شهید پرور هرمز از استان هرمزگان در خانواده ای نسبتاً جمعیت چشم به جهان گشودم از همان کودکی مادرم را مشغول در جهان هنر سنتی دیده ام، همواره به علت علاقه، کم کردن مشغله های کاری مادرم و مشکلات زندگی همراه سه خواهرم فعالیتهای سنتی بومی استان را دنبال کردیم؛ خواهر بزرگم گلابتون، دوزی خواهر دومم کمه دوزی و خودم سه رشته متفاوت خوس دوزی و لبه شلوار الب دوزی را انتخاب کردیم

ابتدا کارهای سنتی را برای سرگرمی، علاقه کم کردن مشکلات و... دنبال کردم اما تبدیل به منبع درآمد خانواده شد پس از آن رشته های متفاوت صنایع دستی را از عروسک سازی گلپای تزئینی آویز و هرکاری را که منبع درآمدی برای من و خانواده ام باشد انجام دادم

برای آموزش دوره های صنایع دستی به بندرعباس نیز رفتم و در سن 14 سالگی هنرهای جدیدی که آموزش دیده بودم را در دوره های متفاوت در خانه آموزش میدادم و اولین قرارداد آموزشی ام با فرهنگ و ارشاد اسلامی بود در کنار آموزش سفارشهای مشتری را نیز قبول میکردم به همین منوال با آموزش و انجام دادن سفارشات زندگی در فعالیتهای سنتی گذشت تا اینکه در سن 19 سالگی ازدواج کرده ام.

پس از ازدواج به دلیل تشکیل خانواده چند سالی از فعالیتهای سنتی فاصله گرفتم، پس از متولد شدن فرزند دومم دل تنگ روزهای پر فعالیت سنتی شدم از این رو با تشویق های همسر و یکی از دوستان دوباره در سال 92 شروع به فعالیتهای صنایع دستی کردم

از خوس دوزی (ساخت شال محلی به اسم جلیلیل) شروع کردم در ابتدای کارم از دوستان و فامیل طرحهای جدید را خواستم اما متوجه شدم که همه به دلایل مختلف و بخصوص نداشتن بازار کار از کارهای هنری فاصله گرفتن

از این رو تصمیم گرفتیم بار دیگر گروهی و همراه خانواده شروع به کار کنیم. در اولین قدم برای شرکت در نمایشگاهها به معاونت صنایع دستی رفتیم و خواستیم مرا برای شرکت در نمایشگاه ها معرفی، کنند خوشبختانه قبول کردند و برای اولین، نمایشگاه وارد نمایشگاه یزد شدم آنجا بود که متوجه شدم در چند سال گذشته در صنایع دستی استانها پیشرفت زیادی رخ داده و با ضرر نه چندان زیاد با کوله باری از تجربه صنعتگران و تعاونی هایی که در نمایشگاه بودن به استان برگشتم

اینگونه بود که در سال 94 با هدف توانمند کردن بانوان جزیره تعاونی خود را با عنوان نقش و نگار الماس هرمز ثبت کردیم و برخلاف گذشته خیلی حرفه ای شروع به کار کردیم

سال اول در 18 نمایشگاه داخلی در شهرهای متفاوت شرکت کردیم و پس از آن موفق شدیم آنچنان که پس از شناسایی بازار، شناسایی افراد جویای کار آموزش طراحی تولید و فروش را نه تنها در جزیره بلکه در تمام استان و روستاهای دور افتاده شروع کردیم خوشحالی وصف ناپذیر من در آن سالها از اینکه با بانوان توانمند همقدم بودم قابل وصف نیست.

هرچند در مسیر کار مشکلاتی وجود داشت اما کم کم پیش میرفتیم و مهمترین مسئله توانمند کردن بانوان با آموزش رشتههای صنایع دستی بود، و این امر افتخار من بوده و هست.

بعد از گذشت 2 سال از تاسیس تعاونی تصمیم گرفتیم وارد بازار حاشیه خلیج فارس بشوم، از طریق نمایشگاهها و سفر به کشورهای حاشیه موفق شدم بازار فروش بخشی از نوارهای سنتی و حصیر میناب را پیدا کنم و این یک گام بزرگ بود

در حال حاضر تعداد بانوان فعال در تعاونی نقش و نگار الماس هرمز، 53 نفر است که این تعداد در بعضی از ماهها کم و زیاد میشود و همچنین صادرات به کشور، امارات عمان و قطر را داریم و آرزویم این

است که بتوانم به کشورهای اروپایی سفر کنم تا هنر دست بانوان را به جهان نشان دهم و صادرات داشته باشیم.

خلاصه رزومه

از سال 94 تا سال 99

تاسیس شرکت تعاونی نقش و نگار الماس هرمز

شرکت در نمایشگاههای داخلی و خارجی

افتتاح خانه صنایع دستی هرمز

صادرات به کشورهای امارات عمان قطر

کسب 4 نشان ملی اصالت

انتخاب تعاونی برتر استان در 4 دوره

برگزاری دورههای آموزشی در رشتههای مختلف صنایع دستی

اخذ مدرک مدیریت آموزشگاه آزاد

تاسیس آموزشگاه آزاد فنی و حرفه ای جلیبیل

اخذ گواهی فعالیت از اتاق تعاون کشور

حضور در دورههای، آموزشی سمینارها و وینارهای مختلف

عضو هیئت ریسه اتاق تعاون هرمزگان به عنوان اولین زن کشور

مسئول شعبه بنیاد تعاون و توسعه کارآفرینی زنان ایران

حضور در سیزدهمین اجلاس بین المللی تعاون در آسیا و اقیانوسیه

حضور در برنامه زنده باد زندگی شبکه 2،

خندوانه شبکه نسیم

خانه مهر (جام جم)،

شبکه های استانی

■ تولید 200 هزار عدد ماسک رایگان

کار آفرین برتر کشور با رای مردمی

در دوران کودکی مادرم و سپس همراه مسیر زندگی ام، همسر و علاقه ی فرزندانم زمانی که مرا مشغول به کار میدیدند و راهنمایی یکی از دوستان در

ص: 29

این مسیر کم تاثیر نبوده است.

مادرم که هنر را نزد او آموختم

همسرم برای هم سفر بودن او در مسیر زندگی

پسر و دخترم، بخاطر علاقه و ذوق آنها به کارهای من

دوست خوبم خانم بازگیر

کمک و راهنمایی آقای مهرداد آرمین پیلی از دوستان خانوادگی

و در کنار این، عزیزان بانوان فعال و دوست داشتنی که همراهم بودن و هستند.

، زندگی خود را پیدا کردن نیست

زندگی یعنی خودت را ساختن و آینده به کسانی تعلق دارد که رویای خود را باور

دارند.

اگر همیشه کارهایی را انجام دهی که هر روز انجام میدهی پس همان چیزی را بدست میآوری که همیشه داشتی برای رویاهایتان بجنگید
چون رویاهایتان تنهای دارایی شخصی شماست.

اشتیاق موفقیت خود را بیشتر از ترس، خود باور داشته باشید.

ص: 30



متولد 1357 از قم و فارغ التحصیل رشته مهندسی فناوری اطلاعات از دانشگاه شهید مدنی تبریز هستم. در سال 1380 بعد از گرفتن مدرک مدیریت آموزشگاه فنی و حرفه

ای فعالیتهای اجتماعی و شغلی خود را ابتدا با فعالیت در یکی از آموزشگاههای فنی و حرفهای به عنوان مدیر آموزشگاه آغاز نمودم، سپس مدیر مسئول یکی از فرهنگسراهای شهرداری قم (خانه) فرهنگ (توحید را عهده دار شده و راه اندازی نمودم، در اواخر سال 1381 اقدام به اخذ پروانه فعالیت از سازمان ملی جوانان نمودم و فعالیتهای ارزندهای را آغاز کردم، در سال 1386 مجوز فعالیت آموزشگاه فنی و حرفه ای واحد خواهران و در سال 1387 مجوز فعالیت واحد برادران را اخذ نمودم در سال 1385 در پی گرفتن اجرای طرحی از مرکز امور زنان و خانواده با اجرای آن در تابستان 1386 به عنوان یکی از موسسات نمونه کشور انتخاب شده و در خردادماه سال 1388 در همایش تجلیل از سازمانهای مردم نهاد کشور اولین لوح تندیس و تقدیر را برای موسسه دریافت نمودم

در سال 1396 طرح توانمند سازی 300 زن سرپرست خانوار در 10 استان را تحت نظارت و حمایت مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری در قم اجرا کردیم و از بسیاری مراکز و سازمانها لوح تقدیر و تندیس و سپاس دریافت نموده ایم

دوره های آموزشی و مهارتهای زیادی را گذرانده ام از جمله

گذراندن دوره های مهارت مدیریت سازمانی - پروژه نویسی

گذراندن کارگاه های آموزشی تخصصی آمایش کارآفرینی دانش بنیان و مدیریت طراحی و توسعه محصولات خدمات جدید آشنایی با مبانی و اصول حمایتیهای اجتماعی از زنان بهبود یافته - گذراندن مهارتهای روشهای جلب مشارکت مالی - آشنایی با مواد مخدر صنعتی و شیمیایی - نقش مشارکت اجتماعی در کاهش و کنترل مواد مخدر و روان گردانها

گذراندن دوره تسهیلگری در تیمهای پیشگیری اجتماع محور محله

گذراندن مهارتهای مدیر آموزشگاه مهارتهای تدریس - اصول مذاکره

ص: 31

و ارتباط موثر و... دارای گواهی مهارت از اداره کل آموزش فنی حرفه ای استان قم و اخذ کارت مدیریت آموزشگاه فنی و حرفه ای

مهارت‌های کسب و کار (شیوه های کارآفرینی)

سوابق کاری

عضو دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر استان قم از سال 1384

عضو کمیته تخصصی توسعه مشارکتهای سازمانهای مردم نهاد استانداری قم از سال 1392 تا سال 1395

عضو کمیته تخصصی توسعه اشتغال روستایی مدیریت برنامه ریزی استانداری قم از سال 1392 تا 1395

دبیر و عضو هیات مدیره و عضو انجمن صنفی آموزشگاههای آزاد رایانه فنی و حرفه‌ای استان قم دارای مجوز فعالیت از اداره کار و امور

اجتماعی از سال 1394

تا 1397

نماینده منتخب موسسات مردم نهاد زنان و خانواده استان قم در جلسات مسئولین استانی از سال 1384 الی 1386

عضو مشاوران جوان فرماندار در سال 1384

موسس و رئیس هیئت مدیره موسسه آموزشی فنی و حرفه‌ای مبتکران کارآفرین قم دارای مجوز از اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان

قم و مدیر واحد خواهران آموزشگاه از سال 1386 تا 1396

موسس، عضو هیات مدیره و 3 سال مدیر عامل موسسه خیریه محبین حضرت زهرا (سلام الله علیها) با اهداف تحکیم بنیان خانواده -

فرهنگی - پیشگیری - اجتماعی اشتغال و (درمان دارای مجوز از سازمان بهزیستی استان قم از سال 1390 تا 1393

، موسس عضو شورای مرکزی و 6 سال دبیر سازمان مردم نهاد ، موسسه فرهنگی اجتماعی و آموزشی علم جاوید دارای مجوز از سازمان

ملی جوانان استان قم از سال

1382 تا سال 1388

موسس عضو هیات مدیره و مدیر عامل سازمان مردم نهاد (موسسه علمی آموزشی و (کارآفرینی علم جوانان جوان دارای مجوز از

استانداری قم

ص: 32

از اسفندماه 1384 تا شهریور ماه 1391 و رئیس هیئت مدیره این موسسه از سال 1391 تا هم اکنون

موسس و عضو هیئت مدیره موسسه قرآنی نامجویان کلام وحی دارای مجوز از سازمان تبلیغات استان قم از سال 1386 تا هم اکنون

مدیر آموزش آموزشگاههای آزاد فنی و حرفهای چشم سوم، علم جویان جوان و مبتکران از سال 1382 تا 1385

مدیر آموزشگاه های فنی و حرفهای علم جویان جوان و مبتکران کارآفرین از سال 1386 تا هم اکنون

بازرس علی البدل و عضو انجمن صنفی آموزشگاههای آزاد رایانه فنی و حرفه ای استان قم دارای مجوز فعالیت از اداره کار و امور اجتماعی از سال 1389 تا 1391 عضو خانه سازمانهای غیر دولتی استان قم از سال 1384 الی 1388 به مدت 4 سال رئیس فرهنگسرای توحید شهرداری قم در سال 1386 به مدت 6 ماه

در حال حاضر مشغول به اجرای طرح ملی توانمند سازی زنان سرپرست خانوار در سکونتگاههای غیر رسمی استان قم در راستای اجرای برنامه کنترل و کاهش آسیبهای اجتماعی با مشارکت مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری معاونت فرهنگی اجتماعی اقتصادی می باشم.

در زندگی هر وقت که همه درها به رویم بسته شده مصمم تر شده ام که باید کاری که میخواهم را انجام بدهم و به هدفم برسم و همیشه با توکل بر خدا راه جدیدی برایم باز شده است .

همیشه باور داشته ام که هیچ کار نشدنی اصلاً وجود ندارد چون اتکاء و توکل ما به خدائی هست که هر غیر ممکن را به راحتی ممکن و دست یافتنی می و ما با کمک او میتوانیم به همه خواسته های غیر ممکن خود برسیم.

افراد زیادی در زندگی من موثر بوده اند و در این راه یاور من بوده اند از جمله پدر شوهر مرحوم قدرت قاسمی که مهمترین مشوق و پشتیبانم در کارهایم و موفقیت هایم بود و بعد همسرم ، پدرم و پسرم

هیچ وقت هیچ توقعی از کسی نداشته باش و در هر حال فقط حواست به این باشه که "خدا" هست و صرفاً روی خدا و خدا حساب کن.



در آخرین ماه فصل بهار سال 1340 در تهران دیده به جهان گشودم

اولین فرزند خانواده جوانی بودم که دوسال بعد از تولد دوباره به موطنشان شهر رشت نقل مکان کردند تمام دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی را در رشت گذراندم. بعد از اتمام دوره دبستان با انتقال پدرم که کارمند بانک بود به شهر آستانه اشرفیه رفتیم اما من برای ادامه تحصیل در مقطع راهنمایی باید هر روز به لاهیجان میرفتم و به مدت چهارسال در آن شهر زیبا به تحصیل پرداختم، در این دوره بود که آشنایی با گروههای مختلف سیاسی و اجتماعی باعث شد با دیدی عمیق تر به مسایل و مشکلات مردم توجه کرده و جوانهای اندیشه سیاسی در وجودم شکوفه بزند.

بعد از اتمام سال اول دبیرستان پدرم دوباره به رشت منتقل شد و سه سال آخر دوره دبیرستان را در مدرسه فروغ گذراندم آن دوران مصادف بود با سالهای 56/57 اوج مبارزه بارژیم شاه من هم مانند هزاران جوان ایرانی در تظاهرات شرکت میکردم و با شعله های آتشی که جامعه را در می نوردید همراه و همگام بودم.

در سال 58 دیپلم گرفتم و وارد تربیت معلم شدم از سال 61 شروع به تدریس در روستاهای اطراف رشت، نمودم در سال 62 ازدواج کردم و به تهران آمدم اما با توجه به مشکلاتی که از دوران دانشجویی در تربیت معلم داشتم عملاً از ادامه کار باز ماندم. جنگ مشکلات دهه شصت و شرایط کاری همسر مرا که حالا دو فرزندم داشتم به غیر از شرکت در کلاس های درس و بحثی که آن زمان بیشتر در محافل خانگی در جریان بود به حضور در خانه و تربیت فرزندان واداشت.

در سال 82 با عده ای از دوستان در صدد برآمدیم که یک کار اجتماعی انجام دهیم، پس از بحث و بررسی فراوان بر آن شدیم به دلیل عدم توجه مردم

به محیط زیست و اهمیت اثرات تخریبی که در این حوزه هر روز شاهد بودیم یک انجمن محیط زیستی تاسیس کنیم

در سال 84 از وزارت کشور مجوز گرفتیم برای اینکه چشم اندازی از حرکتی که آغاز کرده بودیم داشته باشیم همراه دوستان به دیدار خانم مه لقا ملاح رفتیم و ایشان با روی خوش و روحیه بسیار عالی سرگذشتشان و اینکه چگونه یک فعال محیط زیست شدند و تشکل شان را پی نهادند را تعریف میکردند. عشق خانم ملاح به محیط زیست ما را در کارمان مصمم تر کرد و هسته اولیه انجمن را شکل دادیم، شروع فعالیت انجمن مصادف بود با دوران بی مهری نسبت به تشکل های مردمی اما با همراهی و همگامی همه آنهایی که دلشان برای این سرزمین و محیط زیست شان میتپید در این سالها با حضور فعال در عرصه های محیط زیستی و برگزاری و شرکت در برنامه های مختلف تلاش مضاعفی را برای بهبود زندگی مردم که یکی از اهداف اصلی انجمن بود برداشتیم به یاد دارم در سال 92 که اولین نمایشگاه عکس آسیب های تالابی را در کریدور نمایشگاهی مجلس شورای اسلامی به منظور آشنایی نمایندگان مجلس با چالشهای تالابی کشور برگزار کردیم یکی از نمایندگان وقتی تابلوی هور العظیم را دید با ناباوری میگفت این عکس واقعا هور العظیم ماست که در دوران جنگ در نزارهای آن از دید دشمن پناه می گرفتیم والان اینچنین خشک و آلوده شده است؟ برایشان توضیح دادم که این تخریب نتیجه مجوزها و تصمیماتی است که مطالعات محیط زیستی را نادیده میگیرند و چگونه اثر و پیامدهای این تخریبها در زندگی مردم نمایان میشود

معتقدم همانگونه که مردم نیاز به آموزش محیط زیستی دارند و تشکل ها همواره باید در این مسیر گام بردارند تصمیم سازان و مدیران دولتی هم نیاز به آموزش در حوزه محیط زیست دارند تا با نتایج تصمیماتشان آگاه شوند. برگزاری یازده نشست سازمانهای غیر دولتی که در سال متمادی برگزار گردید با مشکلات فراوانی روبرو بود. بنده از دور هفتم بعنوان عضو هیئت اجرایی در شورای هماهنگی فعالیت دارم

گاه برگزاری این نشستها بسیار سخت میشد و با موانع فراوانی برخورد میکرد اما همت و باور و پشتکار دوستان هیئت اجرایی برای بوقوع پیوستن این رویداد یک حرکت جمعی زیبایی که در سال های 70 تا 90 می توان از آن بعنوان بزرگترین گرد همایی تشکلهای سراسر کشور یاد کرد رقم می زد. پیگیری قانون و مقررات سازمانهای غیر دولتی هم مصداق یک حرکت جمعی مداوم است که از دهه 70 برای تدوین قانون جامع تشکل شروع به کار کرد و طرح قانون توسط خود تشکل های عضو تدوین و در صحن علنی مجلس مطرح گردید

به یاد دارم در روزهای مطرح شدن قانون در صحن علنی مجلس با تعدادی از انجمن ها در جلسه علنی حاضر میشدم بیش از بیست ماده در مجلس تصویب شد که با آنچه ما تدوین کرده بودیم بسیار متفاوت بود و با روح قانون در تضاد تصمیم گرفتم کاری کنم از جایگاه تماشاچیان بیرون آمدم به دنبال نماینده ذی نفوذی که بتواند اثر گذار باشد به یکی از نمایندگان گیلان برخوردم که در حال ورود به صحن بود موضوع را با ایشان مطرح کردم و درخواست کمک به توقف کردم ایشان به صحن رفتند و با اعتراض و رایزنی با رییس مجلس ادامه بررسی در صحن متوقف شد و برای بازنگری به کمیسیون اجتماعی ارجاع داده شد

در طول این سالها که گاه حرکت اجتماعی بسیار سخت و جانکاه بود باور به اینکه اثرگذاری و تغییرات اجتماعی حرکتی مداوم است، همواره با توکل به خدا امیدم را از دست نداده و دست از تلاش برنداشتم.

در سال گذشته با شیوع کوید 19 با تعدادی از دوستان از شبکه ها و انجمن های تخصصی گروهی را برای پیشگیری از بحران کرونا تاسیس کردیم و در همان اولین روزهای همه گیری کرونا به جمع آوری کمک پرداخته و به شهرها و مراکزی که درگیر کرونا بودند با کمک انجمنهای محلی یاری رساندیم و این یک تجربه همکاری شیرین در کنار انسانهایی که در آن دوران سخت تمام، توانایی تجربه و امکانات شان را در یاری به هموطنان و کاستن از آلام مردم

در طبق اخلاص نهاده و شبانه روز به کار و تلاش پرداختند، بود.

برخی از فعالیتهای من در طول زندگی

انجمن دنیای سالم

عضو موسس شبکه ملی

عضو شبکه محیط زیست استان تهران

عضو دبیرخانه شورای هماهنگی انجمنهای تالایی کشور

عضو دبیرخانه شورای هماهنگی همایش های سازمانهای غیر دولتی عضو کار گروه پیگیری قوانین و مقررات سازمانهای غیر دولتی کشور

عضو شبکه کمک

ص: 37



در اولین روز شهریور آخرین ماه تابستان در یکی از خانواده‌های مذهبی و خوش نام بروجرد پا به عرصه‌ی این کره‌ی خاکی نهادم

تازه ده ساله بودم که از وجود پدرم بی بهره شدم و او را از دست دادم

بعد از اتمام دبیرستان با وجود علاقه ام به شعر و ادبیات تحصیلات دانشگاهی را در رشته ادبیات فارسی ادامه داده تا جایی که اولین کتابم (به نام حدیث دل) در سال 97 به چاپ رسید که وجود و همراهی خانواده ام و یاری و مدد خواهرانم در موفقیتم بسیار موثر بوده و هست

و در حال حاضر دومین کتابم که یک مجموعه لغت نامه می باشد که نتیجه زحمات پنج سال تلاش سخت و مجدانه بسیار است اکنون در مراحل نهایی چاپ می باشد

و دو مجموعه تحقیقاتی در دست دارم که یکی از آنها در مورد تاریخ فرش و گلیم در کشورهای اسلامی است که در حال تدوین و جمع آوری می باشد. و در نهایت یک رمان به نام سه زن و سه زندگی که در فصول آخر کتاب است. چندین مقاله نیز در روزنامه ها کشوری به نام عدد هفت و تاثیر آیات و احادیث در اشعار استاد شهریار به چاپ رسانده ام

در زمینه هنرنیز گواهینامه درجه 1 و 2 فرش و گواهینامه درجه 1 و 2 گلیم و مرمت را دارا می باشم

به مدت پنج ساله در شورای اسلامی شهر فعالیت نموده و دو سال مسئول روزنامه شورای اسلامی شهر نیز بوده ام.

از سال 90 همزمان با تاسیس شعبه‌های بنیاد تعاون و توسعه کارآفرینی زنان در کشور و تاسیس اولین شعبه شهرستانی به عنوان مسئول شعبه شهرستان بروجرد انتخاب شدم و از همان سال به یاری خدا تاکنون خدمات متعددی به بانوان سرزمینم داشته ام برگزاری چندین

در حوزه های مختلف و تشکیل بیش از 100 تعاونی از زنان فعال و کارآفرین و اجرای طرحهای مختلف، آموزشی اشتغالزایی و ... و پالایش و مشاوره بیش از 9 هزار متقاضی کار و ساماندهی فارغ التحصیلان دانشگاهی و متقاضیان کار و مهارت در مشاغل مختلف از جمله مشاغل خانگی از فعالیتهای خاص این دوره ام می باشد .

از سال 97 در دو دوره طرح تاب آوری زنان و خانواده استان لرستان به عنوان تسهیلگر و مجری طرح فعالیت داشته و در چندین محله دوره های ویژه برگزار نموده ام

در سال 97 نیز در اولین همایش زنان شاخص ایران به عنوان برگزیده بخش اشتغال انتخاب گردیده ام

از زمانی که خودم را شناختم متوجه شدم که زندگی مثل یک پازل هزار تیکه ماند با این تفاوت که هر کدام از این تیکه ها در ناکجا آبادهای زندگی مدفون شده اند و وظیفه من یافتن و پیدا کردن این تیکه ها و کنار هم قرار دادن آنهاست. زندگی خودم را و جب به و جب گشتم و تمام تیکه های آن را با سختی و مشقت فراوان پیدا کردم و کنار هم چیدم اما یک تیکه خالی که آن را با ایمان و امید به رحمت حضرت حق و وجود عزیزانم پر کردم

اما هدیه من به زنان دنیا :

زن کتابی است که جز به مهر و محبت خوانده نمیشود ، چرا که او گران بهاترین اعجاز خداوند است

ص: 39



متولد 1340 در شهر کرمان هستم در سال 1354 در دبیرستان پروین اعتصامی زاهدان زیر نظر استاد شهبازی دوره نقاشی را گذراندم و در سال 1360 هم زمان با کار در سازمان صنایع دستی به عنوان کمک طراح زیر نظر روح انگیز میربها آموزش طراحی فرش را به پایان رساندم و در همین زمان با بازگشایی اردوگاه افغانی به فکر شناختن سوزن دوزی منطقه افتادم. در سال 1363 با استخدام در شرکت فرش و اعزام به تهران برای کار در قسمت طراحی آموزش زیر نظر اساتید طراح فرش آقای پاک دست و رنگ نقطه زیر نظر آقای علیزاده و در همین زمان با آشنا شدن با طرحهای سنتی و خانم جهانبانی و دیدن شهادت کارکردن ایشان اشتیاق شدید برای دنبال کردن نقوش سنتی و سوزن دوزی را احساس کردم و از آن زمان مقدار زیادی سوزن دوزی که یا متعلق به خانم قهاب یا خانم ایرندگانی میباشد، مانند شال سفید بسیار زیبا و یک نوار 5/5 نیم متری به عرض 20 سانتی متر به یادگاری دارم. در بهار سال 1379 آموزشگاه ترنج اولین آموزشگاه طراحی فرش و گلیم، بافت گلیم و بافت قالی را در زاهدان تاسیس کردم و در بهار سال 1388، زیر نظر بانک جهانی مجری آموزشی شرکت شرق آیند در زاهدان حدود 100 خانم را آموزش سکه دوزی - سوزن دوزی و گلیم بافی دادم و نتیجه این فعالیت، ها آموزش و اعطا گواهی نامه مهارتی با تسهیلات بانکی بیش از هزاران نفر هنرجو در سراسر استان بود و در سال 1379 در دانشکده علمی کاربردی جهادکشاورزی مشغول شدم و شروع به تحقیق در مورد فرش استان سیستان و بلوچستان. کردم هم زمان مسئول غرفه دانشگاه در نمایشگاه فرش تهران شدم در سال 1386 از طریق سازمان بازرگانی معرفی برای آموزش مربی به بافی به مشهد اعزام شدیم حدود 10 دوره مجری آموزش به بافی در کل استان زیر نظر مدیریت بازرگانی بودم در سال 1387 زیر نظر کمیته امداد آموزش به بافی را در روستاهای زابل به صورت مربی گری انجام دادم و در نخستین سمینار

فرش در، تهران مقاله این جانب نقوش صنعتی استان سیستان و بلوچستان برای دفاعیه جزء 5 نفر اول بود و کنفرانس نیز دادم مقاله نقوش سنتی استان هم در اولین همایش ملی افتخارات سیستان و بلوچستان در دانشگاه زابل انتخاب شد و در آن جا هم در همین زمینه سخنرانی کردم با همکاری سازمان تعاون هلال احمر در سال 1380 در سالن مائده آموزش رایگان گلیم بافی به مدت 3 ماه برگزار شد. و اکنون در حال آماده سازی و طراحی نقوش سنتی لباسهای -بلوچ نقوش سنتی و نقوش سنتی فرش به صورت کتاب هستم.

پدر و مادرم همیشه مشوق و همیار من در این راه بوده‌اند و نصایح ارزشمند آن‌ها در سخت‌ترین روزها مشکلاتم را حل میکرد روحشان شاد و یادشان گرامی تلاش و پشتکار و توکل به خدا رمز موفقیت و پیروزی است.

ص: 41



متولد شهر صنعتی امیدیه و ساکن شهرستان اهواز

از دوران کودکی علیرغم علاقه وافر به سفال و مجسمه، سازی زندگی در منطقه صنعتی شرکت نفت و کاستی هایی که جنگ هشت ساله بر مناطق مختلف کشور خصوصا خوزستان تحمیل کرده بود به ناچار من را به سمت هنر نقاشی و طراحی هدایت نمود به پشتیبانی برادر بزرگم آقای شاهرخ پرویزی امکانات پرداختن به هنر نقاشی و خوشنویسی از منابع مطالعاتی تا لوازم کار مهیا شد و من برای رسیدن به خواسته ها و هدفهایم همواره تشویق و پشتیبانی شدم. اما با وجود این فعالیتها روح من در گرو چیزی بود که گویی بدان تعلق داشتم، آتش جانی که گل وجود را ناپخته میدانست عصیانگر و رام ناشدنی می تاخت. در سالهایی که هیچ کلاس سفالگری و مجسمه سازی در اهواز وجود نداشت برای فراگیری این هنر به تهران رفتم و از آنجایی که شرایط سکونت برای من فراهم نبود با پرداخت هزینه یک ترم تنها از دو یا سه جلسه کلاس بهره مند شده و به اهواز باز می‌گشتم لیکن لطف اساتید بزرگوام جناب استاد شجاع الدین شهابی و استاد رضایی مرا به ادامه مسیر مشتاق تر میکرد و از طریق تلفن و مکاتبه جلسات باقی مانده کلاس برای من شرح داده و رفع اشکال میشد. حاصل تلاشهای بی وقفه در امر فراگیری -هنر صنعتی که در شهر من وجود نداشت من را بر آن داشت تا قدمهایی استوارتر در جهت رونق این هنر در استان خوزستان بردارم و به لطف پروردگار تلاش هایم به بار نشست و شاهد رونق و ارتقا این هنر دیرپای و کهن در استان میباشم و خداوند را سپاسگزارم که هنرجویانی که در طی این سالها در امر آموزش خدمتگزارشان بوده ام هم اکنون خود در کسوت استادی خدمتگزار جامعه خود هستند امید بر آن دارم که همه زنان و دختران سرزمینم، توانمند استوار و سرافراز باشند شیر بانوهایی که روح نجابت و نیک کرداری آنان در پرتو نور الهی در خور ستایش است

از جمله فعالیتهای من در طول زندگی

موسس و مسئول اولین مرکز تخصصی، آموزش تولید و پژوهش سفال و

سرامیک در استان، خوزستان شهرستان اهواز با عنوان میراث کهن

- موسس اولین کارگاه تولید تخصصی سفال و سرامیک با عنوان رمحیا سفال

- کارشناس ارشد مدیریت امور فرهنگی

- کارشناس صنایع دستی اداره میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی

- مدرس هنر دانشگاه فنی حرفه ای دختران اهواز

- مدرس هنر دانشگاه پیام نور اهواز مسئول خانه سفال استان و مرکز آموزش و پژوهش هنرهای سنتی اداره میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری

- مدرس افتخاری هنر مدارس اهواز

- مسئول امور بانوان اداره میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی شهرستان اهواز - مدرس هنرآموزشگاه امام رضا علیه السلام

- مدرس هنر آموزشگاه مانی

- مدرس هنر آموزشگاه ارژنگ

- مدرس هنر طرح تابستانه شهرداری اهواز

از سال 1395 پس از اتمام مسئولیت دوازده ساله مرکز آموزش و پژوهش هنرهای سنتی اداره میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری و خانه سفال استان، و تعطیلی مرکز مذکور به دلیل تغییر کاربری کاملاً هدفمند و استوار به تاسیس اولین مرکز تخصصی، آموزش پژوهش و تولید سفال و سرامیک با عنوان میراث کهن (اقدام نمودم در طی این مدت حدود 650 دانشجوی رشته، هنر دانش آموزان هنرستان کارورزهای دانشجویی و هنرجوی، آزاد به روش استاد شاگردی به فراگیری هنر صنعت سفال و سرامیک در این کارگاه نائل آمدند و با پشتیبانی و برگزاری کلاسهای به آموزشی و تکمیلی و برگزاری کلاسهای رایگان با ایجاد کسب و کارهای خانگی زمینه ایجاد اشتغال و حمایت از زنان دختران و جوانان مستعد و خلاق فراهم شد که به لطف پروردگار آموزش در مناطق محروم نیز در رشته مینای سفال به دلیل سهولت و زیبایی کار با استقبال بسیار مطلوبی روبرو گردید و شاکر هستم که با اشتغال بسیاری از زنان و دختران این مناطق و ایجاد کسب و کار خانگی و کارگاهی شاهد ارتقا سطح کیفی زندگی و معیشت این عزیزان .هستم در زندگی شاید لحظات نا امید کننده و سخت حرکت مرا در مسیر هدف کندتر

و آهسته تر کرده باشد تا بتوانم با نگاهی عمیق تر و دقیق تر مسیر را شناسایی و هدف گذاری کنم اما هرگز سختیهای مسیر مرا از حرکت باز نداشته است. زیباست گاهی برای رسیدن به مقصد چون مسافری که راهی دراز در پیش دارد راه اصلی را رها، کرد کمی بر راه افزود و از کوچه باغی راه را پیمود که هم فراغت خاطری شود و هم از حرکت باز نایستاد

تشکر ویژه از برادر عزیزم جناب آقای فاروق پرویزی که دیری نیست که به دیدار حق شتافتند و من را در مسیر زندگی تنها گذاشتند لیکن همچنان حق شاگردی را در محضرشان ادا میکنم و درسها و راهنماییهای منحصر به فرد ایشان سرلوحه زندگی من میباشد کسی که هرگز در زندگی من تکرار نخواهد شد.

قدردان زحمات پدر عزیزتر از جان و مادر مهربانم که همواره با محبت هایشان مرا شرمنده وجود نازنیشان میکنند و هر آنچه دارم از برکت وجود با ارزششان است بر خود وظیفه میدانم که از همه اساتید و بزرگوارانی که در راه پر فراز و نشیب فعالیتهای کاری فرهنگی هنری یاریگر و همگام من بودند تشکر و قدردانی نمایم.

سپاسگزارم از استاد سلکی مدرس نقاشی دوران کودکی ام، سرکار خانم استاد، بهدیس استاد، حامد استاد جلال استاد مقصود، پاشایی استاد شجاع الدین، شهابی جناب آقای علیرضا غفاری جناب دکتر سرپولکی، جناب آقای بابک، قادری خانم حدیث تقی نژاد و دیگر اساتیدی که در جای خویش در محضرشان ادای احترام خواهم کرد

تو اگر جرعه نریزی بر خاک *** خاک را از تو اثرها ز کجاست

وقتی در مسیر درست حرکت میکنیم و راه درست را انتخاب کرده ایم، صبر کنیم و ایمان را پیشه راه قرار میدهیم، باید یقین داشته باشیم هرآنچه حکمت خداوند در آن دخیل باشد راهش در زندگی مان هموار خواهد شد. در زندگی فردی موفق خواهد بود که بتواند موانع و مشکلات را با ایمان قلبی و اعتماد به خالق هستی با صبر و شکیبایی پشت سر بگذارد، اعتقاد دارم که به دنیا آمده ایم که عشق بورزیم و عشق ورزیدن شکر نعمت هایی است که خداوند بر ما ارزانی داشته و تا شکر نعمت بر جای نیاوریم، نعمت والاتری بر ما ارزانی نخواهد شد.



متولد 1356 محل تولد کرمان بزرگ شده شهرستان خاش استان سیستان و بلوچستان میباشم. دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی گرایش

منابع انسانی می باشم. سال 74 مدرک دیپلم گرفتم و از ادامه تحصیلات دانشگاه بدلیل تک فرزندی و همراهی نکردن خانواده و وابستگی آنها و فکر غلط که نیاز به شغل نداری باز ماندم، بعد ازدواج با همراهی همسر عزیزم ادامه تحصیل دادم سال 75 نامزد و در سال 79 ازدواج کردیم

دارای گواهینامه های بین المللی فنی و حرفه‌ای در رشته آرایشگری، خیاطی قالببافی، سوزن دوزی قلاب بافی و دارای مدرک مربیگری

مدیر و مؤسس مجتمع آموزشی هفت قلم همراه با اعطا مدرک فنی حرفه ای در رشته خیاطی، آرایشگری، قالببافی سوزن دوزی کارآفرینی از سال 90 تا کنون مدیر عامل شرکت تعاونی هنرمندان زبردست خاش جهت حمایت صنعتگران سوزن دوزان و زنان سرپرست خانوار سال 94 تاکنون

مربی دوره‌های کارآفرینی و آمادگی شغلی ادارات

مدرس دانشگاه پیام نور رشته مدیریت و کارآفرینی

مدرس مدرسه غیرانتفاعی دخترانه سال 86-89

ریس انجمن اولیا و مربیان مدرسه تیزهوشان سال 92-99

فعالیت‌هایی هم که هم اکنون در حال انجام هستم

سرپرست دفتر جهاددانشگاهی شهرستان خاش

مشاور امور بانوان و خانواده فرمانداری شهرستان خاش دبیر کمیسیون امور بانوان

عضو شورا آموزش و پرورش - عضو مجمع کتابخانه ها

ریس هیات تنیس روی میز شهرستان خاش

سرپرست گروه جهادی دستان پرمهر جهت شناسایی نیازمندان و کمک رسانی

ص: 45

طی این مدت زندگی تاثیر گذارترین و همراهانم، همسر، فرزندانم و سرکار خانم مهندس ابراهیمی مدیرکل امور بانوان و خانواده استانداری همکاران دفتر امور بانوان استانداری سرکار خانم دکتر میرسیدی که همیشه همراه و پاسخگو سوالاتم بودند.

در پایان از آن جا که بنده برای رسیدن و بدست آوردن موقعیت و مدارج تحصیلی جنگیدم سعی میکنم در همه جوانب زندگی ام انجام دهنده باشم، صحبت کردن از ناراحتی و افسردگی مشکلی را حل نمی کند یک زن قوی نمیتواند به سادگی سکوت کند او همیشه صادق است هر چند به ضررش تمام شود یک زن قوی اعتماد به نفس دارد حتی با تهدید دست از تلاش بر ندارد. اگر زمانی با توجه بشرایط زندگی دچار ناامیدی و غمگینی شد از جا بلند شود و به زندگی ادامه دهد و گذشته را فراموش کند

جمله آخر زنان موفق کسانی هستند که اگر اراده کنند هیچ نیرویی نمی تواند باعث توقف آنها در راه رسیدن به هدفشان شود در زندگی اولویت اول همسر و فرزندان هستند که مبادا کارهای جانبی باعث بر هم خوردن آرامش خانه و خانواده گردد.

ص: 46



متولد 1359 در شهرری - کهریزک - روستای قلعه شیخ مدارک تحصیلی لیسانس علوم پایه - فوق لیسانس علوم سیاسی - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی

دارای کلیه مدارک مهارتی مربوط به کامپیوتر - گذراندن دوره های آموزشی مهارت های زندگی و روانشناسی دوره-های مدیریتی برای کسب و کار مدت 2 سال بعد از اخذ مدرک فوق دیپلم در آموزش و پرورش بخش کهریزک در دوره دبیرستان مشغول به تدریس دروس هندسه - ریاضی بودم و همزمان در مرکز آموزشی و فرهنگی خانه جوان کهریزک به عنوان شغل به صورت پاره وقت کلاسهای آموزشی فرهنگی و اجتماعی برای جوانان برگزار میکردم و البته در همان مکان کلاسهای تقویتی دروس دبیرستان را نیز تدریس میکردم از جمله کارهای فرهنگی در آن، زمان تهیه هفته نامه های مختلف برای شهر کهریزک بود که مشکلات و چالشهای شهر را از زبان اهالی شهر گوش مسئولین می رساندیم . سپس در سال 1383 به درخواست بخشداری کهریزک از حوزه تدریس خارج شده و شروع فعالیتهای اداری اجتماعی و سیاسی خود را آغاز نمودم

حضور در مسئولیتهای مختلفی از جمله :

مسئول دبیرخانه بخشداری کهریزک

مسئول امور زنان و خانواده بخش کهریزک

مشاور بخشداران در دوره های مختلف در حوزه استغال و کارآفرینی

بازرس بنیاد تعاون و کارآفرینی زنان ایران

عضو هیات مدیره بنیاد تعاون ، توسعه و کارآفرینی زنان ایران و مدیر شعبه تهران

کارشناس طرح و برنامه در فرمانداری ری

عضو هیات مدیره تعاونی پویندگان سپهر

عضو هیات مدیره تعاونی مسکن شهرداران ، شوراها و دهیاران بخش کهریزک

مدیر امور اداری ، کارگزینی و رفاهیات شهرداری قیام دشت

مدیر آموزش شهرداری قیامدشت

برگزاری نمایشگاه های متعدد مربوط به فروش تولیدات کارگاه ها و تعاونی های

ص: 47

زنان در سراسر کشور و برگزاری و تدریس دوره‌های آموزش مهارت کارآفرینی برای بانوان کارآفرین در چندین دوره، برگزاری سمینارها و همایشهای متعدد در حوزه زنان و تعاونگران، حضور فعال در NGOهای مردمی و عضویت در

آنها بخصوص جهت حمایت از زنان سرپرست خانوار و افراد بی بضاعت از جمله موانع موجود در زندگی اینجانب در ایام تحصیلات دانشگاهی بود به دلیل این که در شروع تحصیلات دانشگاه در روستا زندگی میکردم و بعد مسافت و دوری و عدم دسترسی به امکانات شهری باعث ایجاد دشواریهای بسیاری در این راستا بود که بحمدلله با حمایتهای پدرم و کمک های بی شائبه مادرم این دوران را پشت سر گذاشتم از جمله افراد تاثیر گذار بسیار مهم در زندگی بنده پدر و مادر عزیزم و همچنین خواهران و برادرانم بودند که در تمامی این مراحل همچنان با همدلی و همراهی صمیمانه خود باعث دلگرمی من برای ادامه مسیر زندگی بودند و البته شایان ذکر است که مدیر بسیار عزیز و محترم مرحوم آقای خلیلی بخشدار سابق کهریزک که همراهی و پشتیبانی بسیار پدرانہ ی ایشان در شروع بخش مهمی از زندگی بنده حائز اهمیت میباشد

در طول ایام زندگی 39 ساله خود تمام تلاش خود را انجام داده ام تا بتوانم در ابتدا رضایتمندی شخصی از خود و فعالیتهایی انجام شده کسب نموده و سپس برای جامعه خود علی الخصوص بانوان مفید به فایده باشم لذا امیدواری و توکل بر خداوند متعال را در تمام مراحل زندگی سرلوحه خود قرار داده ام البته در این مسیر استفاده از رهنمود های مدیران و بزرگان حوزههای مختلف را نیز مورد نظر و اجرا داشته ام. در خاتمه لازم میدانم ضمن آرزوی موفقیت برای تمامی بانوان فعال کشورم در حوزه های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از ایشان درخواست کنم با ترویج فرهنگ تعاون و تخصص گرایی در جهت توسعه گام بسزایی در حوزه زنان بردارند.



سال 1359 در شهر سراوان به دنیا آمدم، در کنار دوران تحصیلاتم، در دوره‌های امداد و نجات کمک‌های اولیه و ماشین نویسی در هلال احمر شرکت کردم و مدرک مربیگری را کسب نمودم و زمان اخذ مدرک دیپلم به عنوان مربی، قرآن مربی ماشین نویسی و مربی کمک‌های اولیه با هلال احمر همکاری داشتم.

در سال 80 به عنوان حق التدریس استخدام آموزش و پرورش منطقه جالق یکی از مناطق شهرستان سراوان به دور از خانواده شدم و همزمان با سپاه هلال احمر و کمیته امداد همکاری داشتم و به عنوان فرمانده گردان کوثر اولین رزمایش را برگزار کردم

با اینکه مدیر هنرستان، بودم بچه‌ها را تشویق به آماده نمودن هنرهای، تزئینی طراحی دوخت و گلسازی نمودم تا در غرفه‌های شهرستانی شرکت نمایند همچنین هردست دانش آموزان را جهت فروش و تبلیغ در نمایشگاه دانشگاه بین المللی زاهدان شخصا به کمک همسرم شرکت داده تا دانش آموزان بتوانند برای خود امرار معاش، کنند به مدت 9 سال مدیرهنرستان در شهرستان مهرستان بودم در سال 93 فرزند سومم بنام حفصه خانم بدنیا آمد در سال 96 به شهرستان سراوان منتقل شدم و اولین سال را به عنوان معاون آموزشی در هنرستان مهر آنجا گذراندم، همیشه سعی کردم علاوه بر معاونت مشاور خوبی برای بچه‌ها باشم تا بتوانم مشکلات آنها را درک و حل نمایم، بعد از 9 ماه فعالیت در پست معاونت هنرستان با پیشنهاد مدیریت آموزش و پرورش به عنوان کارشناس فرهنگی و هنری منصوب شدم و به مدت 2 سال در این پست خدمت کردم بعد از آن در پست اموربانوان و جوانان خدمت میکنم و هم زمان دبیرسند تحول بنیادین و دبیر بررسی مشکلات و آسیبهای اجتماعی بانوان شهرستان قطب سراوان در نهاد رهبری میباشم

علاوه بر این فعالیتها در جذب خیرین جهت تامین تجهیزات و ساخت فضاها مانند تجهیز بخش کرونا بیمارستان رازی، سراوان، مجوز ساخت پایگاه اورژانس خرید سردخانه اجساد و چندین مورد دیگر نیز فعالیت دارم. هم اکنون جهت فروش صنایع دستی منطقه مانند سوزن دوزی، سرویس جواهرات سوزن دوزی و.... تلاش میکنم و آرزو دارم با کمک افراد دغدغه مند بتوانیم فقر را در منطقه از بین ببریم و همه بتوانند از هنری که در وجود آنها نهفته استفاده کنند تا دیگر محتاج کسی نباشند

در مسیر فعالیتهایم مشکلات زیادی را تجربه کرده ام، در سال 81 ازدواج کردم و همسرم آقای بهروز میرمادی نیز جذب آموزش و پرورش مهرستان به عنوان حق التدریس شد در آن زمان حقوق ماسی و شش هزار تومان بود اولین فرزند پسرم بنام امیرعلی بدنیا آمد و بر من بدور از همسر با یک فرزند در مناطق غریب خیلی سخت گذشت دوران سختی را میگذرانیدیم در سرمای سخت با موتور از سراوان به روستا و برعکس. با تشویق همسرم وارد دانشگاه آزاد شدم و در سال 86 مدرک فوق دیپلم خود را در رشته حسابداری کسب نمودم در سال 87 پسر دومم ابوالفضل بدنیا آمد به یمن قدمش پیمانی شدم و همزمان تغییر مقطع خوردم با حمایت و تشویق همسرم در همان رشته برای کارشناسی ادامه تحصیل دادم.

خانواده و بخصوص همسر نقش بسزائی در موفقیتهای کاری بنده داشته اند در ضمن دیدن نوع زندگی افراد و خانوادههای بی بضاعت و ایتم باعث ایجاد جرقه ای در زندگی کاری بنده شد با توجه به اعتماد بنفسی که در خودم سراغ داشتم هرگز در برابر نامالایمات زندگی خم به ابرو نیاوردم

در سال جاری اولین همایش بانوان کارآفرین را در استان سیستان و بلوچستان به میزبانی شهرستان سراوان با میهمانان ویژه ای از سایر استانها برگزار نمودم با توجه به برنامه ریزهایی که انجام داده بودم و با همکاری مدیر آموزش و پرورش منطقه جناب آقای ایوب دهواری فرماندار محترم جناب آقای شهرکی و معاونت فرمانداری جناب آقای شهسوار نصرتی و حمایت های محکم

همسر عزیزم توانستیم همایش را به بهترین شکل برگزار کنیم و تمام هنردست کارآفرینان را به نمایش درآوریم

از خداوند متعال خواستارم توانی به من بدهد تا بتوانم برای زنان سرزمینم بانی کارهای موثر و مفیدی باشم و اعتقادم بر این بوده که بگذار
روزگار هر جور که میخواهد به شما پيله، کند مطمئن باش که روزی پروانه خواهی شد...

ص: 51



متولد بیست فروردین 1328 ، آبادان از سال 1350 با پذیرفته شدن در کنکور و قبولی در مدرسه عالی بیمه فعالیت های اجتماعی و فرهنگی ام همراه با دوستان دانشگاه را آغاز کردم، همزمان کار در وزارت بهداری را شروع کرده

تا سال 54 در وزارت بهداری بودم و در سال 54 در پی آگهی استخدام برای خبرگزاری پارس آنزمان و خبرگزاری جمهوری اسلامی کنونی به استخدام این سازمان وابسته به وزارت ارشاد در آمدم و کار را از امور اداری آن سازمان آغاز کردم تا سال 56 که به قسمت خبر سازمان انتقال یافته و کار در شنود رادیویی و پیاده کردن خبرهای رادیویی را آغاز نمودم بعد از شنود هم به پژوهش خبر رفتم. در سال 74 در خبرگزاری جمهوری اسلامی کمیسیون امور زنان تشکیل شد و ریاست این کمیسیون با بنده حقیر ، بود در همین زمان بدستور مدیرعامل ، وقت نماینده سازمان در شورای فرهنگی و اجتماعی وزارت ارشاد شدم همچنین مامور به کار در کشور چین شدم و نهایتا در سال 82 با پست کارشناس خبر به افتخار بازنشستگی نائل شدم

در زمینه فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی فعالیتیم را از سال 72 شروع کردم و در سال 76 بعد از ششمین همایش سازمانهای مردم نهاد که در تهران و حضور تشکلهای مردم نهاد مختلف از سراسر کشور برگزار میشد بنا به خواست تعدادی از تشکلهای مردم نهاد شورای هماهنگی همایش ها شکل گرفت که این شورا مرکب از چند کمیته از جمله کمیته پیگیری قانون سازمانهای مردم نهاد است، بنده افتخار داشتم که تاکنون سال (99) یکی از اعضای اصلی این شورا بوده ام و یکبار دبیر برگزاری همایش و اکنون نیز در سمت دبیری این شورا هستم ناگفته نمانده در سال 82 تشکل مردم نهادی با نام عکاسان دیدگان با کمک عده ای از دوستان در خبرگزاری از جمله شهید میر افضلی از شهدای سقوط هواپیمای خبرنگاران در سطح ملی تشکیل گردید که بنده در سمت رئیس هیئت مدیره موفق به ثبت آن شدیم ، در چندین تشکل دیگر

با عنوان ایده پردازان مشارکتهای اجتماعی که 4 سال است در استانداری تهران ثبت گردیده و بنده به عنوان رئیس هیئت مدیره در خدمت دوستان هستم با شروع و درگیر شدن کشور با بیماری منحوس کرونا چند شبکه از تشکلهای ملی برای کمک و همراهی با دولت دور هم جمع شدند و شبکه ای به نام شبکه کمک تشکیل دادند که این شبکه عضو ستاد کرونا نیز میباشد لازم به ذکر است که شورای هماهنگی همایش های سازمانهای غیر دولتی یکی از اعضای شبکه کمک میباشد که بنده به عنوان دبیر و نماینده این شورا در این شبکه هستم، شورای هماهنگی همایشها تاکنون 11 همایش ملی و سراسری در استانهای کشور با موضوعات مختلف برگزار کرده است. در سال 82 نیز بنده یکی از اعضای شورای مرکزی انجمن روزنامه نگاران زن و مسئول کمیته رفاهی و فرهنگی و خانواده انجام وظیفه مینمودم، از جمله کارهای فرهنگی و اجتماعی و رفاهی بنده ابتیاع 44 قطعه زمین در فاز صفر پرند (بهترین فاز با اقساط برای 44 زن خبرنگار که ساخته شده است گرفتن سهمیه قسطی اتومبیل از ایران خودرو برای زنان خبرنگار عضو انجمن تعدادی شماره موبایل برای خبرنگاران زن عضو برگزاری نمایشگاه مطبوعات برگزاری جشنهای روز خبرنگار و روز زن برگزاری دوره آموزشی خبرنگاری با همکاری دانشکده، خبر خبرنگاری جمهوری اسلامی و اخذ مدرک و...

البته در زندگی هر فردی سختیها و موانع دیده میشود و این مساله بستگی به دیدگاه آن فرد دارد که چگونه این سختیها و موانع را و با چه دیدگاهی ببیند من همیشه موانع و سختیها را پلی برای پیروزی و امید میدانستم و با یک انرژی مضاعف به زندگی و راهم ادامه داده ام

من در زندگی هیچ گاه نا امید نشده ام و همیشه با توکل بخدا به زندگی و کار ادامه داده ام

راز موفقیتیم باور به این بود که خواستن توانستن، است، به خودم میگفتم تو اراده کن و با امید بخدا کوشش کن برای چیزی که خواهان آن هستی بدست خواهی آورد

تأثیر گذار ترین افراد زندگی‌م پدرم مادرم ، دائی‌م رییس و استادم مرحوم وطن دوست و همسرم بودند .

باید عرض کنم نه به عنوان نصیحت چون بنده کوچکتر از آن هستم که نصیحت کنم اما میدانم باید گفت ، با خدا باش و پادشاهی کن ، توکل بخدا که بکنی و صبور باشی سختیها و سنگلاخ ها هموار میشود .

ص: 54



متولد 1356 دره شهر ایلام

سطح یک تخصصی خبرنگاری از باشگاه خبرنگاران جوان و معاونت سیاسی شبکه خبر

برد تخصصی کارگردانی

برد تخصصی فیلمنامه نویسی باشگاه تلویزیونی جوان معاونت سیمای جمهوری

اسلامی ایران

لیسانس برنامه سازی تلویزیونی از دانشکده صداوسیما

مدیر فرهنگی هنری همکام رسام و کتاب اول در شهرستان ری

مدیر نمایندگی روزنامه مردم سالاری و جام جم و... در شهرستان شهريار عضو کارگردانهای انجمن کارگردانی گیلان

طراح 200 فیلمنامه سینمایی و مستند تلویزیونی و تخیلی و درام برای سینما و تلویزیون و جشنواره ها

اولین خانم که آموزشگاه نقاشی و سیاه قلم را دایر کرده ام و بالغ بر 300 هنرجوری خانم و آقا را به سطح حرفه ای رسانده ام

گواهینامه مهارتی سطح یک نقاشی و سیاه قلم از فرهنگ سرای فشافویه شهرستان ری

گذراندن دوره های مقدماتی و حرفه ای نظامی و دفاعی

آموزش حرفهای بازیگری به 500 هنرجوی خانم و آقا که از بین این هنرجوها هم اکنون در عرصه تئاتر و سینما مشغول به فعالیت حرفه ای هستند

طراح و نویسنده و تهیه کنندگی فیلمهای کوتاه و بلند و مستند و سینمایی و سریال بنده به علت معلولیت شدید جسمی حرکتی نهایت تلاشم را میکنم که همپای دیگر افراد اجتماع به زندگی عادی خود ادامه دهم متأسفانه بعضی از افراد از معلولیت بنده به عنوان سلاح استفاده میکنند و خسارات مالی و برهم زدن آرامش را برای من رقم میزدند

ص: 55

من اگر از طرف افراد سودجو مورد تهاجم قرار نگیرم هیچ وقت ناامیدی به خود راه نمی دهم و معتقدم تا زنده ام باید خوب زندگی کنم مشکل من معلولیتم نیست مشکل من دیگر افراد در اجتماع هستند که باعث آزارم میشوند معلولیتم و اینکه با بقیه افراد مرا متمایز کرده عاملی شد که تمام کارهایم را قبل از انجامشان اول تفکر کنم و راه حل و راه میانبر را پیدا کنم و بعد هدف را بصورت جدی و مستمر پیگیر شوم، اصل عامل موفقیت بنده نقص عضو من بود که قدرت تفکر و اندیشه بنده را تقویت و مورد هدف

قرارداد و باعث پیشرفت بنده شد.

از همه افرادی که مرا در این امریاری نموده‌اند کمال تشکر و سپاس را دارم پدرم، معلم دوره ابتدایی و راهنمایی ام، استاد آقای منوچهر اولیایی استاد ناصر برهان آزاد

قبل از انجام هر کاری فکر کنید معلولیتی دارید و نمیتوانید براحتی کار مدنظر را انجام دهید و بیاندیشید مطمئن باشید بهترین راه را با اندیشیدن برای انجام کارها بدست می آورید چرا گفتم فکر کنید معلولید؟ وقتی آدمی نسبت به انجام کاری محدود شود قدرت ادراک و مغز شروع به اندیشیدن می و بهترین راه حل را برای انجام امور مدنظر بدست میاورید.

ص: 56



من در سال 1365 در شهرستان خداآبندة استان زنجان متولد شدم، با وجود اینکه پدر و مادرم هر دو نظامی بودند اما آنچه از آنها بیش از نظم، آموختم، محبت، لطافت، از خودگذشتی، عشق به خدا و اهل بیت (علیهم السلام) بود.

کودکی سرشار از آرامش داشتم و حمایت‌های بی‌کران پدر و مادر، من رو به آینده بسیار خوشبین میکرد و همین باعث شده بود اون روی سکه‌ی این روزگار سخت رو حتی تصور هم نکنم.

نوجوانی من پر بود از انرژی و هیجان و امید و موفقیت‌های علمی و اجتماعی و هنری و ورزشی دو سال نمایندگی دانش آموزان استان زنجان در مجلس دانش آموزی بودم در هر رشته‌ای تلاش میکردم بهترین باشم، مقام‌های استانی و کشوری در رشته‌های قرائت قرآن کریم، طراحی، سرود، تئاتر و مقاله نویسی رو تونستم بدست بیارم

فعال ورزشی و دارنده مقام‌های استانی در رشته والیبال تیراندازی دو میدانی و کاراته بودم

علاوه بر فعالیت‌های فردی در دوران جوانی علاقه مند به فعالیت‌های اجتماعی و مدیریتی شدم، مسئول خواهران بسیج دانشجویی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه گیلان تعلیم دوره‌ی خانواده در حوزه دانشگاهیان زیر نظر خانم آیت اللهی در موضوع خانواده و برگزاری دوره‌های مشاوره‌ی خانواده در مدارس تهران از جمله‌ی این فعالیتها بود همزمان با قبولی در مقطع کارشناسی ارشد رشته مهندسی منابع طبیعی گرایش تکثیر و پرورش آبزیان با شهید بهمن مصائبی ازدواج کردم و یک زندگی پرمهر و موفق با همسرم. داشتم پشتیبانی‌های خانواده‌ی عزیزم و حمایت‌های همسرم دلم رو به آینده بیش از پیش روشن می کرد.

در کنار روزگار شیرین و رویایی که داشتم با توجه به اینکه بهمن از خلبانان و نیروهای تخصصی یگان ویژه صابرین بود و ماموریت‌های طولانی در هر فصل

از سال میرفت تنهاییها و دلتنگیها و اضطرابهای زیادی رو تحمل کردم و حتی اکثر دوران بارداریهام رو تنها بودم و ایشون ماموریت بود. تحمل میکردم چون امیدوار بودم. دلتنگیها و تنهاییهای موقتم رو سختیهای زندگی قلمداد میکردم غافل از اینکه اینها در مقابل سختیهایی که روزگار بی رحمانه در غیاب همسرم پیش روم قرار خواهد داد روزهای خوش زندگییم به حساب می اومد سخن سر بسته ایست که برخی از همسران شهدا با تمام وجود درکش کرده اند

حاصل 5 سال زندگی مشترک پر برکت ما 3 دختر زیبا به نام زینب، زهرا و ضحی خانم بود. ضحی دختر کوچکم فقط 6 ماه داشت که آقا بهمین در ماموریت گشت و شناسایی هوایی منطقه مرزی سراوان سیستان و بلوچستان به شهادت رسیدن من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می رود، من ماندم و سه تا بچهی کوچک و تنهایی و دنیای غریب پیش رو

شدم مصداق شعر

ما ز یاران چشم یاری داشتیم *** خود غلط بود آنچه می پنداشتیم

از اونجاییکه از همان دوران کودکی و نوجوانی روحیهای بسیار مثبت اندیش و فعال داشتم، بعد از شهادت همسرم با وجود هجوم اتفاقات پیش بینی نشده و سخت و سنگین و بار تربیتی و نگهداری دخترانم با نیروی توکل به خدا و توسل به اهل بیت (علیهم السلام) تونستم از اون دره های هولناک ناامیدی عبور کنم و دوباره روی پاهای خودم بایستم و باز رویا پردازی کنم و تو ذهنم برنامه بریزم و برای عملیاتی کردن اهدافم حرکت کنم.

شهید بهمین و من به امور علمی بسیار علاقمند بودیم، بعد از شهادت ایشون هم سعی کردم راه ایشون ادامه پیدا کنه و در این راستا با شرکتهای دانش بنیان همکاریهایی رو جهت پیشبرد اهدافشون انجام دادم تلاش و امید به پروردگار باعث شد قدمهای محکمتری بردارم و نامهربانیهای روزگار نتونه من رو منزوی کنه با ثبت شرکت و برند اختصاصی فعالیتهای هدفمند و سازماندهی شده ای رو آغاز کردم و با ادامه تلاشهام تونستم به زبان انگلیسی تسلط پیدا کرده و

ص: 58

خودم رو آماده ی آزمون IELTS کنم و همچنین مهارت لازم در زمینه ی طراحی و کار با نرم افزارهای طراحی رو پیدا کنم. در حال حاضر افتخار همکاری تحقیقاتی و آموزشی با تیم تخصصی مرکز همیاری بیماران صعب العلاج ایران رو دارم و مفتخرم عضو کوچکی از این تیم متعهد و خیر باشم.

مختصری از فعالیتهای علمی من

پروژه ی تحقیقاتی تاثیر گیاهان دارویی بر زخمهای پوستی بیماران EB و تولید آن پروژه ی تحقیقاتی و تولید ساخت پماد گیاهی درمانی پسونریازیس و اگزمای پوستی

پروژه تحقیقاتی حذف مواد مضر از محصولات آرایشی بهداشتی

پروژه ی تحقیقاتی تاثیر مکمل های غذا دارو بر درمان بیماریها

کمک به تدوین کتاب مبانی طب جامع در آینه ی پزشکی نوین

کمک به تدوین کتاب نقش تغذیه در پیشگیری و درمان سرطان

کمک به تدوین کتاب اصلاح سبک زندگی و دوستی با طبیعت

مشارکت در احداث کارگاه و تولید محصولات آرایشی بهداشتی گیاهی

از جمله تاثیرگذارترین افراد در زندگی من

پدر و مادر عزیزم

* مطالعه ی زندگی افرادی که از دل سیاهیهای زندگی روزنه های نورانی امیدو پیدا کردن و از همان کورسوی امید وارد دریای نور و امید و سعادت شدن از جمله زندگی اهل بیت (علیهم السلام) زندگی پرفسور حسابی، زندگی شهید چمران

جمله ای که بهش در زندگی رسیدم اینه که پرسودترین معامله، معامله با خداونده که 100 درصد برده و بهترین عاقبت رو به دنبال داره به خدا اعتماد کن و پیش برو بدون خستگی، بدون ناامیدی

ص: 59



فرزند شهید حکیم ریگی متولد یک مرداد 1363 در استان سیستان و بلوچستان شهر زابل

هیات علمی پژوهشکده تالاب بین المللی هامون دانشگاه ملی زابل

نائب رییس مرکز نیکوکاری روشنا

نویسنده کتاب راس 0820 زندگینامه شهدای (وحدت و کتاب صبور دور اندیش

زندگینامه شهید ولی فتح مرادی)

طی سالهای خدمت در دانشگاه ملی زابل 15 مقاله علمی پژوهشی بیش از 70 مقاله در کنفرانسهای ملی و بین المللی و 4 طرح پژوهشی

فعالیت در امور خیریه امور آموزشی، فرهنگی، درمانی، عمران، اشتغال، کمک های نقدی و بانوان و کودکان آسیب دیده از طریق مرکز نیکوکاری روشنا به کمک حامیان و مهرآفرینان روشنا که به مدد لطف خداوند کارهای ماندگار و موثری را به نتیجه رسانده ام و در این راه همیشه لطف خداوند شامل حالم و همراه موفقیتیم بوده است

در طول دوران فعالیت خود مشکلات زیادی را پشت سر نهادم. با وجود فقدان پدر خدا را شکر با وجود مادری مهربان در نقش هم مادر و هم پدر در تمامی مراحل با اعتماد به خدا و پشتکار خودم بر تمام سختی ها پیروز شدم

در زندگی ناامیدی های متعددی را تجربه کردم؛ از دست دادن دخترم روشنا در سانحه تصادف ضربه سنگینی برای من بود اما خدا را شاکرم که صبورانه از طریق مرکز نیکوکاری روشنا برای کودکان سرزمینم مادری میکنم و بینهایت روشنا در دلم روشن هست و این روشنایی تا زمان مرگ ادامه خواهد داشت. باوری که باعث شروع موفقیتهای من شد این بود که یقین دارم غم بزرگ را با کار بزرگ باید

تمام کرد به این باور رسیدم که غم نبودن دخترم را با کارهای خیر برای کودکان محروم سیستان و بلوچستان به پایان برسانم.

ص: 60

تاثیرگذارترین افراد در زندگی‌م پدر شهیدم، مادرم، همسرم، سردار مجاهد علی‌رضا، عظیمی استاد احمدرضا، درویش پسر اهورا و دختر آسمانی ام روشنا بوده اند.

اعتقاد دارم که در اوج، تاریکی امید را ترویج دادن زیباست روشنا یعنی تداعی نور خورشید بیاییم با هم در مسیر نیکوکاری خانه ای بنا کنیم به نام خانگی، روشنا خانه ای در این دنیا و ذخیره ای در آخرت‌مان

ص: 61



متولد 1357 شهر بندرعباس

سابقه فعالیت در زمینه‌ی مربیگری آمادگی جسمانی، مربی نقاشی طراحی و خوشنویسی

آموزش تدریس، آشپزی شیرینی پزی آموزش نان برای آموزشگاه های فنی و حرفه ای و میراث فرهنگی گردشگری

فعالیت با موسسه خیریه ساحل خلیج فارس خیریه محد، خیریه برگ سبز تهران

عضو هیئت مدیره کانون امور بانوان

اولین بانوی مستند ساز خوراک بومی استان هرمزگان

کارشناس صداوسیما خلیج فارس و تهران

مدرس دانشگاه علمی کاربردی رشته آشپزی قناد

حضور در جشنواره‌های بین المللی داخلی ایران و خارج از ایران.

3 سال حضور به عنوان داور ملی مسابقات آشپزی خوراکیهای بومی اقوام ایرانی همکاری با مجله اختصاصی خوراک سانازسانیا -تهران

ماهنامه نخل طلایی و هفته نامه هرمزگان من

برگزاری جشنواره و سمینار آموزشی رایگان در استان

در زندگی با وجود سختی بسیار هرچه بر زمین خوردم و ناامیدی خواست بر من غلبه ، کند با پشتکار زیاد به هدفم فکر کردم و همین باعث شد ناامید نشوم و پیش بروم همیشه باورم براین بود که توانایی زیادی دارم، خودم را یک زن قوی میدیدم و بخاطر علاقه زیاد به کارم هدفم را بزرگ انتخاب میکردم باید همیشه و همیشه برای رسیدن به اهدافم علاوه بر توکل به خدا تلاش و تلاش و تلاش کنم

مادرم همیشه الگو من بوده و تاثیر گذارترین آدم در زندگی من ابتدا یکی از اساتیدم بنام سرکار خانم ساناز مینایی بود

پیامهای دلگرم کننده مردم استانم به برنامه های تلویزیون و رادیو نیز تاثیر به سزایی در دلگرمی و تلاش من داشت .

تجربه به من ثابت کرده

نابرده رنج گنج میسر نمیشود ***مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

سالها با بچههای کوچک درس خواندم بیخوابی ، سرما و گرما و... را تحمل کردم و برای رسیدن به اهدافم خون دل خوردم همین صبر و استقامت و ایمان و توکل به پروردگار دوری از کینه و دوری از انرژیهای بد باعث شد خدا را شکر موفق باشم

ص: 63



دکترای روانشناسی عمومی و دکتری مدیریت کسب و کار و کارشناس ارشد جامعه‌شناسی گرایش مردم‌شناسی در تاریخ 1332 در مشهد مقدس بدنیا آمد او یکی از نوادگان، دانشمند عارف و مفسر بزرگ شیخ محمد مومن است که مقبره ایشان معروف به گنبد سبز در مشهد است

از سال 57 همزمان با انقلاب اسلامی فعالیتهای آموزشی، فرهنگی اجتماعی خود را به صورت فردی و گروهی آغاز کرد و در زمان جنگ و دفاع مقدس بسیار پررنگ در بیمارستانهای مشهد مراقبت از مجروحین و جانبازان و پشتیبانی جبهه‌های حق علیه باطل نقش موثری داشت به گونه‌ای که همیشه یک طبقه از منزل ایشان در اختیار خانوادههای مجروحین و جانبازانی که در دوران درمان به مشهد می‌آمدند بود و کمک به محرومین و نیازمندان و بیماران از همان سالها شروع شد و با تعدادی از بانوان خیر در مسجد النبی (صلی الله علیه و اله وسلم) مشهد مشغول به فعالیتهای چشم‌گیر فرهنگی اجتماعی شد و اقدام به تاسیس موسسه خیریه حضرت نبی (صلی الله علیه و اله وسلم) کرد در سال هفتاد با همکاری این بانوان تاسیس اولین آسایشگاه بیماران کلیوی در کشور انجام گردید و بعد از یک سال بر مبنای نیاز بیماران کلیوی در آسایشگاه و مردم محروم آن منطقه در مانگاه حضرت نبی (صلی الله علیه و اله وسلم) در کنار این آسایشگاه با تلاش بی‌وقفه ایشان با تمام مجوزهای لازم تاسیس شد و تا 15 سال مدیریت موسسه حضرت نبی و آسایشگاه و درمانگاه را به عهده داشت

بعد از فوت مادر در خانه مورثی ایشان موسسه خیریه ریحانه النبی (صلی الله علیه و اله وسلم) اولین مرکز توانمند سازی و کارآفرین زنان و بیماران خاص را در کشور در سال 78 با هدف تغییر نگاه جدی موسسات خیریه از روش معمول که منجر به گداپروزی و بی‌مسئولتی نیازمندان میشد با الگویی موفق و عملی به توانمند سازی آنان تاسیس کرد به گونه‌ای که بیماران کلیوی و سرطانی و زنان افسرده و ناامید با مدل آموزشی ایشان و با تغییر نگاه و استفاده از توان و استعداد های پنهان خود در

یک فرایند آموزشی با مهارت آموزی و مهارت‌های اجتماعی و کاربردی سلامتی شان را بدست آورده و جذب جامعه میشدند در شهر یور ماه سال 1380 اولین همایش کار آفرینی زنان را برای سازمان‌های غیر دولتی کشور با بودجه شخصی خود برگزار کرد و بمدت یک ماه اقامت آنان در مشهد و آموزش‌های کاربردی منجر به تغییر روش بسیاری از آنان از گدا پروری بتوانند سازی و کار آفرینی شد. او تلاش در تاسیس بالغ بر 20 موسسه خیریه در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی و کار آفرینی زنان مشهد نقش موثری داشت.

رئیس کمیسیون بانوان سازمان‌های غیر دولتی در استان خراسان

8 سال مشاور فرماندار مشهد در امور زنان و جوانان

6 سال نایب رئیس هیات ورزشی بیماران خاص استان خراسان

و در آگوست 2002 او به عنوان نماینده ایران در اجلاس جهانی سران در آفریقای جنوبی در ژهانسبورگ شرکت فعال و تاثیرگذاری را داشت و در میان سازمان‌های غیردولتی جهان که بیش از 170 نوع فعالیت داشتند برگزیده شد و در اجلاس جهانی اسلامی دوره در پروتوریا بیانیه فقرزدایی را به عنوان نماینده ایران امضا کرد. مدیر عامل باشگاه مثبت مشهد در این 4 سال که 150 بیمار ایدز واچ آی وی را فعال و در توانمند سازی آنان کوشید و از کارتن‌خوابی آنها را رها کرد و به زندگی و جامعه برگرداند.

در دسامبر 2012 ایشان بعنوان تنها نماینده ایران با حق رای در اجلاس جهانی ایدز از سازمان ملل انتخاب شد و در آن جا برای 80 کشور روش آموزش خود را اجرا کرد.

او در سال 89 عضو هیات مدیره و مسئولیت بنیاد تعاون و توسعه زنان را در خراسان داشت با همین مدل آموزشی خود بالغ بر 4000 هزار نفر از زنان و دختران فارغ التحصیلان از لیسانس تا دکترا از همه رشته‌های مختلف هنری و صنعتی و حقوق و کشاورزی و..... که در سایت متقاضیان جویای کار ثبت نام کرده بودند را با کمک تیم علمی خود با مشاوره و استعدادیابی و در یک

ص: 65

فرایند آموزشی با مدل ایشان تبدیل به نخبه های اقتصادی در کسب و کارهای بزرگ و کوچک شدند

ایشان 5 سال در پارک علم و فن آوری دانشگاه تهران مشغول پژوهش و تحقیق برای ثبت دو اختراع بود که یکی مدل علمی آموزشی منحصر بفرد ایشان و یکی لباس استریل التیام پخش سوختگی بود.

از 20 سالگی همیشه در کنار سه فرزند خود فرزندان دیگری را هم پرورش داد، او اثبات کرد محبت مادرانه توام با آموزش و محیط اطراف بر ژن غلبه میکند و از کودکان بد سرپرست و یتیمی که در معرض آسیب قرار داشتند و حتی در خانوادههای معتاد و خانههای فساد بودند انسانهای مفید با شخصیت و سالمی را به جامعه تحویل داد که منجر به تغییر نسل های آنان شد خانه دلهای ریحانه النبی مرکز پرورش این کودکان بی پناه و معصوم شد که اینک همگی آنها تبدیل به نخبه های اجتماعی و خود آنان افراد مفید و تاثیر گزاران و سازندگان جامعه شدند.

افتخارات

دریافت تندیس برترینها در صحنه های رقابت بین المللی مهر ماه 1390

دریافت تندیس ملی تجهیزات پزشکی تولیدات داروئی آزمایشگاهی شهریور ماه 1390

دریافت تندیس بانوان صنعتگر و بازرگان برتر ایران اردیبهشت 1390

مدیر برتر بخش آموزش و مهارت در سال 1389

دریافت مدال و تندیس مدیران برتر جهان از آلمان در سال 2018

■ انتخاب ایشان به عنوان جوان یا نمونه استان خراسان رضوی در سال 1388

. انتخاب جوان نمونه در جشنواره حضرت علی اکبر از موسسه خیریه ریحانه النبی در برج میلاد سال 91

انتخاب ایشان به عنوان یکی از پنج بانوی نمونه کشور در حوضه های اجتماعی توانمند سازی و کار آفرینی از سوی مرکز زنان و امور خانواده ریاست

ص: 66

جمهوری معاونت وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی در سال 1386

بانوی برتر در بخش صنعت مدیریت اردیبهشت ماه 1390

انتخاب ایشان به عنوان بانوی کارآفرین نمونه از سوی سازمان صنایع و معادن در سال 1386

انتخاب موسسه خیریه ریحانه النبی به عنوان موسسه نمونه کشوری بین سمن های ایران از سوی وزارت کشور در سال 1384 با مدیریت ایشان

مدرس شوراهاى اسلامی کشور در سال 1382 به مدت یکسال در حال حاضر تالیف کتاب مدل آموزشی تحت عنوان هیئت دکترین قدسی اجرای پروژه، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی اشتغالزایی در زمینی به متراژ 11 هزار متر در روستای باغچه منطقه احمد آباد مشهد

مسئول بنیاد تعاون و توسعه کار آفرینی زنان استان خراسان رضوی در این مسیر با مشکلات و موانع زیادی مواجه گردید که با ایمان و توکل به خدا و استعانت از او سربلند خارج گردید و هرگز نا امید نشد

تاثیر گذار ترین افراد در زندگی ایشان

مادر و پدر

استاد خانم طاهایی

دکتر شریعتی

دکتر محمد تقی جعفری

، تلاش، صبر و توکل بر خدا کلید موفقیت است

ص: 67



متولد سال 1328

کارشناسی جامعه شناسی

کارشناسی ادبیات فرانسه دانشگاه تهران

کارشناسی ارشد جامعه شناسی اقتصادی سیاسی دانشگاه فرانسه

دکترای جامعه شناسی سیاسی دانشگاه فرانسه

سوابق حرفه ای

عضو هیات علمی دانشگاه حقوق و علوم سیاسی کرج از سال 1367

رییس دانشکده و مدیر گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج تا سال 1383

عضو شورای پژوهشی زنان دانشگاه آزاد اسلامی 1381 تا کنون

عضو هیات مدیره سازمان دفاع از قربانیان خشونت

مشاوره ریاست شورای پژوهشی زنان دانشگاه آزاد

رئیس هیات مدیره شبکه رشد فراگیر و توسعه پایدار

رئیس هیات مدیره شبکه بحران تهران

عضو شورای مشارکتهای اجتماعی وزارت کشور

عضو هیات مدیره موسسه تحقیقات زبان

رئیس بنیاد توسعه کارآفرینی زنان استان البرز

نایب رئیس انجمن زنان ایرانی طرفدار توسعه پایدار

عضو کمیته علمی همایش ملی سلامت شهری

نماینده منتخب سازمانهای غیر دولتی بانوان در مجلس شورای اسلامی (کمیسیون تلفیق)

اولین نماینده سازمانهای غیر دولتی در کمیته ملی ایران

قائم مقام شبکه زیست محیطی تهران

نماینده کمیته ملی سازمانهای غیر دولتی در ایران و مجری آموزش اهداف توسعه هزاره در سیزده استان کشور با همکاری U.N.D.P. و

سازمان مدیریت و برنامه ریزی سابق

ص: 68

عضو شورای بانوان عشایر در سازمان عشایر

عضو هیات تحریریه مجله آفریقا وزارت امور خارجه

عضو کمیته شورای هماهنگی همایشهای سالانه سازمانهای غیر دولتی

- عضو شورای انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی تا سال 1383

خلاصه سوابق و فعالیتها

شرکت در اجلاس هفتم، نهم، و دوازدهم شورای حقوق بشر سوئیس ژنو بیانیه در مجمع عمومی سازمان ملل

- اجلاس سران کپنهاک، محیط زیست

- کنفرانس حقوق زنان در فرایند عدالت قضایی

- کنفرانس ملی شهر سلامت و ارائه مقاله

شرکت در اجلاس سران ریو 1390

سابقه پژوهش:

سیمای زن در 25 کشور جهان در خصوص مسائل اجتماعی - فرهنگی اقتصادی - تاریخی زنان

- توانمندی سازی زنان روستایی طرح بین المللی با همکاری سازمان FAO -

- بررسی مسائل زنان ایران طرح بین المللی با همکاری دو جانبه سازمان برنامه ریزی سابق (راهبردی استراتژی نهاد ریاست جمهوری)
و سازمان ملل آژانس

undp

نقش زنان در توسعه پایدار با همکاری سازمان محیط زیست و وزارت جهاد کشاورزی و بانک جهانی

-ترجمه کتاب موریانه

-ترجمه- کتاب آیا جهان به سوی هرج و مرج میرود؟ (استراتژی سر در گم)

استاد راهنما، مشاور، ناظر و داوری بیش از هفتاد پروژه فوق لیسانس

استاد داور مقطع دکترا دانشگاه تهران بیش از ده بار

کتاب فهرست مولفان و مشاهیر ایران در سال 1376 ،

- کارنمای زنان کار ایران از دیروز تا امروز، پوران فرخزاد 1381

ص: 69



متولد 1352 زهک

مدارک مهارتی

فرش و تابلوفرش و گلیم و جاجیم - خیاطی - دوخت کیف و کفش - بافت ماشینهای بافت - بافت دومیل بافت قلاب - آرایش و پیرایش گریم تخصصی - سیاه دوزی و خامه دوزی سیستان - پارچه بافی سنتی سیستان

از دهه هفتاد با فعالیتهای کاری به فعالیت اجتماعی نیز پرداخته ام. بنده از سال 77 به بعد کار آموزش را زیر نظر سازمان فنی حرفه ای شروع کردم و هم زمان فعالیت فرهنگی نیز داشته ام و تاکنون افراد زیادی را آموزش داده و تحویل جامعه داده ام.

در طول دوران زندگی مشکلات همیشه بوده و هست اما هیچگاه نتوانسته مانعی باشد برای ادامه فعالیتهایم یکی از مشکلات که دورنمای صنعت بافت سنتی را تحت تاثیر قرار میداد این بود که در زمان حال که همه چیز ماشینی در رنگها و مدلهای مختلف تهیه میشود چه کسی پارچه 100 سال قبل را میخرد؟ غافل از اینکه از نظر کیفیت و اینکه الیاف پارچه سنتی چه فوایدی برای بدن دارد لحاظ نشده است و اینکه بازار داغ خارجی را نمیدانستم که به حساب بیاورم این خودش نوعی دلزدگی ایجاد میکرد که از هر سختی و مشکلی بیشتر آزار دهنده بود شاید نتیجه دلخواه حاصل نمیشد ولی باورم بر این بود که هر سختی با، ایمان اراده، سخت کوشش از جان و دل و مقداری هم صبر درهای موفقیت به لطف خداوند برویش گشوده میشود قطعا هر انسانی که پای در راه فعالیتهای اینچنینی میگذارد بعضی مواقع پشت درهای بسته میرسد که گاها از همه چیز نا امید میشود ولی وقتی هدفی مثبت پشت فعالیت نشسته باشد دوباره دست به زانو گرفته و میگوید یا علی و از نو شروع میکند این مسأله گاهی پیش آمده و بحمدالله با توکل بر خدا دوباره شروع کرده ام.

افراد زیادی در زندگی ام موثر بوده اند از جمله پدر و مادرم چون هر دو انسانهای سخت کوشی، بودن از پدرم کار بافت دومیل و قلاب را در هشت سالگی و بافت پارچه را در 32 سالگی یاد گرفتم و مادرم نیز همه بافتهای سنتی از بافت، قالی، قالیچه گلیم و حتی بند بافی که برای لباس محلی بود خیاطی را نیز از ایشان یاد گرفتم قطعا این دو نفر جز تاثیر گذارترین افراد قابل ذکر، میباشند برادرم و شوهرم نیز تاثیر گذار بوده اند. تنها جمله ای که میتوانم بگویم این است که از کار و سختی آن نباید ترسید به قول ما سیستانیها ... از دور بلا .. داخل بلا ... یعنی اینکه به جای اینکه در حاشیه یک سختی قرار بگیری و هی بترسی ... بهتر است که در وسط آن قرار بگیری و سعی کنی بر آن غلبه کنی که قطعا کامیاب میشوی

ص: 71



پروین صادقی نژاد هستم فرزند حاج غلامرضا صادقی نژاد و مادرم ملک زاده صادقی در 13376/18 در روستای زیرگیر علیا در شهرستان خوش آب و هوای الشتر از توابع شمالی خرم آباد در خانواده پاک نهاد و خیر اندیش و فرهنگی و مذهبی پا به عرصه دنیا گذاشتم ، طبق گزارش تاریخ و بنا به فرهنگ و مدرسه را پدر بزرگم مرحوم عزیزجان (ملقب به سردار جنگ بنا نهادند پدرم از پیشکسوتان فرهنگ الشتر و از خوانین متعهد و معتقد در سالهای قبل از انقلاب بودند

القبای تعلیم و تربیت را در آغوش پدری مهربان و آگاه و معتقد و فرهنگ و مادری مهربان و با سخاوت گذراندم دوران تحصیل ابتدایی را در الشتر و دبیرستان و دانشسرای مقدماتی را در خرم آباد و دوره دبیری در رشته علم اجتماعی را در همدان گذراندم و کارشناسی در رشته علوم تربیتی را در اصفهان و کارشناسی ارشد را در رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری در ملایر گذراندم

در سال 1351 با همسر آقای مهرداد ملکی فارغ التحصیل دانشگاه تهران در رشته علوم اجتماعی ازدواج نمودم همسرم بعد از گذراندن دوره بخشداری شش ماهه به عنوان بخشدار اردل بختیاری عازم آن شمسه شد و مدیر مدرسه شدم ، در بخشهای مختلف کارهایی انجام دادم که پس از سالها حتی نسلهای بعد که ما را درک نکرده اند در آنجا به خاطر آن کارهای ماندگار ما را یاد میکنند

سالها مفتخر به خدمت به مردم سرزمینم در سنگر تعلیم و آموزش و پرورش بوده ام و در طول 30 سال در قسمتهای مختلف آموزگاری و مدیریت مقاطع مختلف و دانشکده تربیت معلم و ... خدمت پرافتخارم را به پایان رساندم از همان دوران نوجوانی فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی خود را در اردل بختیاری و لردگان به صورت پراکنده و به صورت حمایت از قشر آسیب دیده شروع نمودم ولی به صورت رسمی در سال 1355 در فارسان بختیاری با تشکیل نهادی تحت عنوان کودکان بد سرپرست مورد استقبال مردم و مسئولین قرار گرفتم و برای نگهداری 60 کودک زیر 6 سال به کمک چند خانم خیر خانه ایی را

دایر و بنای کارهایی را گذاشتیم که سالها بعد در ایران باب شد

در سال 1376 رسماً در بروجرد با همکاری چند نفر از مسئولین و عده ای از خیرین بنای ایجاد موسسه خیریه اهل بیت را با هدف ایجاد اشتغال پایدار برای زنان بدسرپرست و سرپرست خانوار و ایتمام و ... را گذاشتی

در طول زندگی فعالیتهای مختلفی را انجام داده ام از جمله

عضو شورای هماهنگی تشکل های کشور

عضو گروه اصلاح قانون تشکل های غیر دولتی ایران

موسس مرکز حمایتی فرهنگی مذهبی مهدیه امام حسین (علیه السلام) با هدف خدمت به قشر آسیب دیده

عضویت در شبکه تشکلهای زنان کشورهای اسلامی

■ عضو هیات موسس بنیاد اشتغال و تعاون و توسعه کارآفرینی زنان ایران .

■ عضو هیات موسس و هیات مدیره جامعه خیرین اشتغال زنان ایران .

دبیر اجرایی بیش از 20 همایش ملی و بین المللی در حوزه های مختلف

انتخاب به عنوان زن شاخص ایران در نخستین همایش ملی با همین عنوان .

انتخاب به عنوان «جوان یاور برتر در جشنواره ملی حضرت علی اکبر (سلام الله علیها).

مشاور امور بانوان کانون نخبگان و اندیشمندان ایران

■ عضو هیات موسس انجمن خودباوران سماء لرستان

■ انتخاب از طرف شهروندان بروجردی با آراء بالا به عنوان عضو شورای شهر به مدت 10 سال در دو دوره .

رئیس شورای حل اختلاف شعبات 10 و 14 دادگستری بروجرد به مدت 10 سال عضو شورای عمومی فرهنگی به مدت 10 سال و عضو نهضت کتابخانه شورای

اداری به مدت 10 سال

رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر بروجرد به مدت 6 سال رئیس کمیسیون امور مالی - ورزشی و تندرستی

■ عضو ستاد دیه استان

- عضو هیات موسسین کارگاه مهدویت در کشور از سال 1385 تاکنون

برگزار کننده و مجری دهمین همایش کشوری تشکل های مردم نهاد در آبانماه 1395

رئیس شورای شهرستان بروجرد به مدت 6 سال

■ مددکار و مشاور کمیته امداد امام خمینی (ره)

رئیس و عضو انجمن و اولیاء و مربیان مدارس استان و شهرستان به مدت 30 سال

بنیان گذاری بیمارستان بیماریهای خاص در بروجرد با همت و همکاری

برخی از عزیزان و شهرداری و شورای شهر و دانشگاه آزاد بروجرد

عضو سازمان طب اسلامی ایران زیر نظر حکیم خیر اندیش

■ عضو انجمن کوهنوردی ایران

موسس صندوق قرض الحسنه

موسس آموزشگاه علمی آزاد مهدیه بروجرد

مشاور و مربی مهارت های زندگی در دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه به مدت 2 سال

- عضو انجمن علمی روانشناسی تربیتی ایران

در طول دوران فعالیت هایم فراز و نشیب های بسیاری را تجربه کرده ام و در زندگی با شرایط سخت از نظر کاری، عاطفی سیاسی و اجتماعی مواجه شده ام ولی همیشه به یاری خداوند و ایمان به لطف و رحمت الهی توانسته ام بار دیگر با تلاش و کوشش و انرژی تازه ای به راه خود ادامه بدهم. چرا که اعتقاد راسخ داشتم که این شکست ها خود تجربه و پله هایی هستند برای رشد و موفقیت و با صبر و پشتکاری که هدیه خداوند به من بود لحظه ای از تلاش و استقامت دست نکشیدم

در طول زندگی ام افراد زیادی در کنارم بوده و از آنها الهام گرفته ام که تاثیرگذار ترین آنها پدری بزرگوار و معلمی دلسوز بود که از او همه آنچه که باید از ایثار و گذشت بیاموزم را آموختم و عاشق معلمی شدم، و مادری که از او اصالت و متانت و فداکاری و صبر به ارث بردم و همسری که مدیریت و سیاست و همراهی و همدلی را از او آموختم و فرزندانم، برادران

و خواهرانم، دامادهایم و عروسم که همه در این سالها در کنارم بودند و شریک مشکلات و موفقیت‌هایم بوده اند.

■ معلمان، اساتید، راهنمایان تحصیلی، مشاورین از دبستان تا دانشگاه الشتر: خرم آباد، همدان، اصفهان، ملایر

دوستان، همکلاسیها، همسفران، همکاران، هم‌هیئت‌ها، هم‌جلسه‌ای‌ها

■ - مردم شهرهای بروجرد، خرم‌آباد، ازنا، الیگودرز، اردل بختیاری، اردگان

بختیاری، فارسان بختیاری

■ در تمام دوران زندگی همیشه همه این عزیزان در رشد و تعالی و موفقیت فرهنگی اجماعی، سیاسی، عاطفی تاثیر گذار بوده‌اند و خود را مدیون تمام شخصیت‌های این گروه‌ها میدانم

- خداوند را شاکرم که در حال حاضر مشغول به فعالیتهای متعددی می‌باشم

داشتن مراکز نیکوکاری و سرویس دهی به 400 نفر مدد جو

اشتغال کارهای خانگی برای همه ی اقشار از جمله پرستاری و نگه داری کودکان و سالمندان،

برگزاری کلاسها و کارگاههای آموزشی و مشاوره ای از جمله تربیت کودکان، جلسات اصلاح ذات بین، آموزش قبل از ازدواج، آموزش طب اسلامی و سنتی، تاب آوری اجتماعی، کارگاه مهدویت، دادن جهیزیه به نوجوانان کم‌کمک به سیل زدگان، بیش از 30 مدارک مهارتی از جمله خیاطی، شمع سازی آرایشگاه، مشاور آموزش خانواده، آموزش زوجین، مدارک در خصوص مبلمان شهری، پساماند، فضای سبز و...

همیشه باورم این بوده که خداوند بندگان را بسیار دوست دارد و هرگز آنها را رها نخواهد کرد و اینکه کاری که برای رضای خدا باشد خداوند خودش میبندد و به بهترین شکل پاسخ میدهد.

ص: 75



متولد 1347 در روستای سرسبز و زیبای قاسم آباد سفلی بخش چابکسر حومه رودسر استان گیلان و در یک خانواده کشاورز و سنتی و بسیار مذهبی به دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستا خواندم و دبیرستان را در

رشته ی علوم انسانی اقتصاد در شهر چابکسر گذراندم و در سال 1366 مدرک دیپلم گرفتم. بعد از اخذ دیپلم در امور کشاورزی به خانواده کمک می کردم چون مادرم یکی از بافندههای خوب قاسم آباد است چادرشب بافی را از مادرم آموزش دیدم و همراه او چادر شب می بافتم ما 6 خواهر و 2 برادر بودیم پدرم مرد زحمت کشی بود و تلاش فراوان می کرد من بچه اول خانواده بودم و علاوه بر تحصیل در کارها به آنها کمک میکردم دوست داشتم در کنار کار کردن تحصیلاتم را ادامه دهم اما با اصرار خانواده به روستایم برگشتم و به اجبار پدر و مادر و پدربزرگم ازدواج کردم ولی هنوز به فکر استقلال مالی و کار اجتماعی بودم در زمستان سال 1367 ازدواج کردم و در سال 1369 پسرم کامیار به دنیا آمد قبل از ازدواج از تحصیل در دانشگاه جاماندم و بعد از ازدواج از شغل فرهنگی و این مسئله به مرور زمان مایوس ترم میکرد دستگاه چادر شب بافی را از مادرم گرفتم و به کمک مادر و مادر همسرم اولین چله کشی را انجام دادم و خودم مستقل یک رو تختی به رنگ قرمز بافتم و در بازار روز به قیمت 5500 تومان فروختم، اولین درآمدم بسیار دلنشین بود هر هفته و یا دو هفته یکبار یک چادر شب رو تختی می بافتم و میفروختم از فروش چادر شب هایم کم کم ابزار کار با چادر شب و نخ خریدم و بعد از دو سال تمام ابزار کار چادر شب را تکمیل کردم و ابزار کار مادرم را به خواهر کوچکترم دادم و با فروش چادر شب به اقتصاد خانواده ام کمک می کردم. در سال 1375 فرزند دومم زهرا به دنیا آمد در این ایام دچار بیماری افسردگی شدم و با دکتر اعصاب و روان در ارتباط بودم و با قرصهای آرام بخش روزگار میگذراندم و متأسفانه هیچ چیز راضی ام نمیکرد

آقای اصلانی همسر خواهرم کارمند میراث فرهنگی در شهر رشت بودند ایشان با روحیاتم بسیار آشنا بودند با من صحبت کردند و از من خواستند در نمایشگاه های میراث در رشته چادر شب با فی شرکت کنم. من یک زن منزوی و شکسته شده بودم دیگر آن شادابی و انگیزه قبل را نداشتم. ایشان خیلی صحبت کردند تا من و همسرم راضی شدیم و در سال 1378 در میدان شهرداری رشت در اولین نمایشگاه در رشته چادر شب شرکت کردم

در زمستان سال بعد در جشنواره ای در چابهار شرکت کردم. در این نمایشگاه نقشم خیلی پر رنگ بود در آن زمان میراث فرهنگی و صنایع دستی از هم جدا بودند و در آن جا بچه های صنایع دستی با من آشنا شدند و از من دعوت کردند در نمایشگاه های مختلف برای آنها شرکت کنم و این چنین پایم به نمایشگاهها در سراسر ایران باز شد و یک نمایشگاه هم در دبیر شرکت کردم در سال 1386 شرکت تعاونی چادر شب بافی هنرمند را به ثبت رساندم و این تعاونی در سال 1396 مهر ملی دریافت کرد و به ثبت ملی رسید اولین کسی بودم که چادر شب و دستبافته های سنتی را تغییر کاربردی دادم و به کالاهای کاربردی از قبیل انواع کیف ها و کوله پشتی و جامدادی و کوسن و رومیزی و رانر و کیف موبایل و زیور آلات چادر شبی و... تبدیل کردم نخهای پنبه و ابریشم را اول احیا و بعد توسعه دادم. اولین فروشگاه صنایع دستی را که فقط دستبافته های سنتی در آن به فروش برسد در روستا دایر کردم و امروزه خوشبختانه ده ها

فروشگاه صنایع دستی در روستا وجود دارد و همیشه مشوق آنها بودم.

در مسیر راه مشکلات زیادی را پشت سر گذاشتم که اولین آنها شکستن تابوها بود برای یک زن تنها با چند چمدان از صنایع دستی به این شهر و آن شهر رفتن هرگز برای پدر و مادر ما قابل درک نبود خیلی تلاش کردم تا خودم را ثابت کنم. البته بعدها پدرم و پدر شوهرم مرا تشویق کرد و در این عرصه کمکهای بسیاری کردند

سال 1386 شرکت تعاونی چادر شب بافی هنرمند را به ثبت رساندم

سال 1387 اولین کارت شناسایی چادر شب بافی را از صنایع دستی گرفتم و در

سال 1390 در آزمون فنی و حرفه‌ای موفق شدم و کارت شناسایی دریافت کردم

سال 1393 دو اثر از من مهر اصالت نشان مرغوبیت ملی دریافت کرد.

سال 1393 درجه دو هنری (معادل) فوق لیسانس) را اخذ کردم.

سال 1395 دو اثر دیگر هم مهر اصالت نشان مرغوبیت ملی دریافت کرد که مجموعاً 4 اثر از بنده مهر اصالت گرفت

سال 1395 اولین کارگاه چادر شب بافی با نام خانه خلاقیت رادر روستای قاسم آباد سفلی دایر کردم و تا به امروز مدیریت آنجا را بر عهده دارم

سال 1396 شرکت تعاونی چادر شب بافی هنرمند نشان ملی را دریافت نمود. به مدت 20 سال سابقه‌ی کارم به افراد زیادی آموزش دادم و همچنان در خانه خلاقیت آموزش چادر شب بافی را دارم.

در بیش از 50 نمایشگاه شرکت کردم و شرکت تعاونی چادر شب بافی هنرمند از سال 1386 تا 1389 دو بار تعاونی برتر استان شده و در سال 1398 به عنوان تعاونی برتر کشوری معرفی شد در سال 1399 هم به جهت تعاونی برتر استان جوایزی را دریافت کردم

در سال 1398 هنر چادر شب بافی به ثبت جهانی رسید

نماینده‌ی مردم در رشته‌ی چادر شب هستم و با میراث فرهنگی و صنایع دستی و اداره‌ی کار و تعاون همکاری دارم.

زمانی که من شروع به کار کرده بودم فقط چندین نمونه طرح‌های ساده بافته شد و در بازار محلی به فروش میرسید و نقشهای اصیل در حال فراموشی بودند و پاچال‌ها دارهای چادر (شب یکی یکی پشت سرهم شکسته میشدند چون بازار کار نبود جوانان اصلاً رقبتی به این هنر نیاکان نداشتند. اما امروزه میبینم یک جوان با پارچه سنتی چادر شب مانتو و کیف و... می. دوزد و در شبکه‌های اجتماعی تبلیغ میکند تمام خستگی بیست ساله ام از تنم دور می. شود بهتر است جوانان در کنار تحصیل خود حتماً یک هنری بیاموزند چون خلق یک هنر به انسان اعتماد به نفس می بخشد و توانمندی آدمی را ارتقا می دهد و جوان احساس پوچی نمی. کند. اگر من این هنر را

از مادرم نمی‌آموختم سرنوشت کاری ام معلوم نبود. در واقع هنر به من توانمندی و قدرت و سرفزاری و اعتماد به نفس برای رفتن به سکوه‌های ترق داد. پس جوان اگر می‌خواهی به عزت نفس بررسی دنبال یک هنری که به آن تعلق داری برو و به آن ایمان داشته باش و در همان مسیر تلاش کن قطعاً موفق خواهی شد.

ص: 79



در سال 1351 در منطقه جنوب شهر تهران به دنیا آمدم در، سن، کودکی وقتی برای بازی با دوستانم به کوچه می رفتم، کارگاهی در نزدیکی منزلمان توجه مرا به خود جلب کرد خانم های همسایه داخل کارگاه بر روی دارهای قالی بزرگ نشسته و مشغول بافت فرش بودند هر روز گل و بوته های جدیدی روی دار قالی نقش میبست ، و برایم عجیب بود که با انگشتان و چاقو چه اتفاقی می افتد که قالی ها هر روز زیباتر شده و طرحهای جدیدی شکل می گیرد. این اتفاق ملکه ی ذهنم شد مدتها گذشت پدرم به وطن خود بوئین زهرا بازگشت ، بعد اینکه دوران ابتدایی و راهنمایی در شهر بوئین زهرا گذراندم، ازدواج کردم ، و اغلب اوقات فراغت خود را به خواندن کتاب طراحی و ... گذراندم ، تا اینکه تصمیم گرفتم دار قالی در منزل برپا کنم ، به آرزوی دیرینه ی خود دست یافتم. فرزندانم را با تار و پود قالی آشنا کردم

از سال 1375 به صورت انفرادی به تولید تابلو فرش پرداختم در سال 1385 تصمیم گرفتم کارگاه قالی بافی دایر کنم ولی با مخالفت اطرافیان مواجه شدم تا اینکه سال 1393 با کمک دخترم و همکاری همسرم موفق شدم آموزشگاه و شرکت تعاونی نقش جهان را به ثبت برسانم و فعالیت خودم را شروع کنم برای دایر کردن با مشکلات زیادی مواجه شدیم ...همزمان با تدریس و آموزش در آموزشگاه به تحصیل ادامه دادم و مدرک دیپلم را گرفتم و دو ترم هم مشغول تحصیل در دانشگاه شدم...

در روستاهای دور و نزدیک در گرما و سرما کارگاه سیار روستایی زده و آموزش و تولید راه اندازی کردم، شرایط رفت و آمد و مکان در بعضی روستاها بسیار سخت و طاقت فرسا بود بردن دار قالی و وسایل مورد نیاز به روستاها که جاده های سخت و صعب العبوری داشت مرا از ادامه فعالیت باز نداشت. همچنین آزار و اذیتها و سنگ اندازیهای رقبا هیچ کدام مرا از کار و تلاش دلسرد نکرد ...

در اولین نمایشگاه بین المللی که در مصلاى تهران برگزار شد شرکت کردم و با مشتریان جدید با سلیقه های جدید آشنا شدم و سفارشهای خوبی گرفتم این، کار انگیزهای مضاعف به من داد تا در اکثر نمایشگاه ها شرکت کنم

بعضی اوقات در طول شبانه روز فقط 2 الی 3 ساعت استراحت میکردم و با اعتراض خانواده و اطرافیان مواجه میشدم تا اینکه، در حال حاضر 758 نفر خانمهای شهرستان و 10 روستای اطراف را آموزش داده و حدود 140 نفر از آنها زیر مجموعه نقش جهان هستند و برای ما کار میکنند و تولیداتمان به کشورهای اروپایی و آسیایی صادر میشود و اولین کسی هستم که طرح چهار صد ساله فرش قزوین را احیاء کردم و همچنین اولین کسی هستم که در استان قزوین فرش تمام ابریشم با برند شخصی تولید میکنم

برای انجام هر کاری مشکلات و دشواریهای متعددی بر سر راه انسان قرار گیرد و بنده نیز از این امر مستثنی نبوده و با سختیهای بسیار زیادی توانستم تا به امروز به فعالیتهای ادامه دهم از نظر مالی در زندگی سه بار از صفر شروع کردم و هر بار مصمم تر از قبل با مشکلات مبارزه کردیم. و. تا اینکه تصمیم گرفتم خودم در زمینهی اقتصادی فعالیت داشته باشم این، فکر زمانی به ذهنم خطور کرد که پدرم را در عین ناباوری از دست داده بودم و با افسردگی شدید مواجه شدم بعد از مدتی تصمیم گرفتم که یک کارگاه کوچکی دایر کنم در زمینه ی تولید و آموزش به همشهریان مشغول شده و در آمدزدایی کنم با مخالفتهای شدیدی مواجه شدم. تمامی اشخاص و اطرافیانم البته به جز فرزندانم و مادر و خواهرم بشدت مخالف بوده و بر علیه من جبهه گرفتند. ولی من تصمیم نهایی را گرفته بودم و هیچ کس نتوانست جلودار تلاشم شود. به هر حال ابتدای کار با یک کار آموز شروع کردم و روز به روز تعداد مراجعین بیشتر شد و کسب و کارمان کمی رونق گرفته بود که متأسفانه بعد از یک سال و نیم همسرم به دیار باقی شتافت و از دنیا رفت تا شش ماه به آموزشگاه و کارگاه بروم و تمام دنیا برام یک روی دیگری داشت، در عین ناباوری باید با دو فرزندم تمام جوانب زندگی را

سنجیده و مسئولیتهای بسیار دشواری به عهده میگرفتیم. دنیا برایم تمام شده بود در فاصله سه سال پدر جوانم و همسر جوانم را از دست داده بودم باید، تمامی مشکلات را به دوش میکشیدم... و. چاره نداشتم، با هر ترتیبی که بود با فرزندانم به زندگی ادامه داده و با کمک به یکدیگر تا به امروز توانستیم به موفقیت‌های زیادی دست یابی پیدا کنیم، و دو فرزندم مهندس عمران و الکترونیک هستند و خداوند را شاکرم که فرزندانم سالم به جامعه تحویل دادم

از حمایت‌های

پسرم میلاد هاشمی و دخترم صحرا هاشمی و مادرم و خواهرم بسیار سپاسگزارم

جمله زیبایی همیشه در ذهنم بود که الماس از تراشیدن و انسان از تلاش می درخشد

این جمله باعث میشد که هنگام خستگی شدید و ناملایمات روزگار تلاشم را بیشتر کنم

از زندگی این درس را گرفتم که مشکلات و دشواریها به انسان کمک می کند تا راههای بهتری برای رسیدن به هدف خود پیدا کنم.

ص: 82



در استان خوزستان شهرستان دشت آزادگان روستای مالکی سفلا در خانوادهای پدر سالار و پر جمعیت متولد شدم کودکیم بسیار سخت، گذشت سه ساله بودم که جنگ تحمیلی عراق علیه ایران آغاز، شد دشمن تا نزدیکی مالکیه آمده بود مردها می جنگیدند و زنها پشت جبهه کمک می کردند میدان نبرد لحظه به لحظه به روستای ما نزدیک میشد و روستاییان بیشتر و بیشتر در آتش فرو می رفتند تا جایی که دستور تخلیه روستا را دادند. ما هم از روستا خارج شدیم، مهاجرت آن هم در شرایط جنگی بعد از آزاد سازی سوسنگر به روستای خودمان برگشتیم شهر پر از مینهای دشمن بود مالیکه با خاک یکسان شده و اموال و دارایی مردم از بین رفته بود.

بعد از بازگشت به روستا پدر به جبهه، رفت من آن زمان شش سال و نیم داشتم پدر بزرگم مردی 70 ساله نان آور خانواده شد و مادرم هم هر روز برای کمک به پشت جبهه با سایر زنان به مسجد می رفت. از همان وقت مادر سه برادر و دو خواهر هایم شدم هیزم جمع میکردم نان خمیر، میکردم از رودکرخه آب میآوردم و هر کاری که بزرگترها انجام می دادند در نبود پدر و مادرم انجام میدادم در همان زمان در اثر ترس لکنت زبان گرفتم و همین باعث شد مورد اذیت و آزار و تمسخر بچه ها قرار بگیرم. کار به جایی رسید که حتی نمیتوانستم از خودم دفاع کنم

14 ساله بودم که ازدواج کردم و خیلی زود مادر شدم. جنگ تمام شده بود و روزگار همان طور سخت و دشوار میگذشت اما در میان این اتفاقات بد و خوب لکنت زبانم بهبود یافت و رفع شد این برای من اتفاق بسیار خوشایندی بود و مرا دلگرم می کرد.

در سن 21 سالگی با دختری به نام زهرا آشنا شدم او تحصیل کرده و با سواد، بود با خودم گفتم من هم میتوانم، چرا درس نخوانم و با سواد نشوم. آن زمان روستای ما حتی نهضت سواد آموزی هم، نبود، چقدر تلاش کردم تا

اجازه تشکیل کلاس نهضت را گرفتم خانه به خانه میرفتم و زنان بی سواد را تشویق به درس خواندن و ثبت نام در کلاس میکردم بلاخره کلاس تشکیل شد و من تا دبیرستان درس را ادامه دادم. در 28 سالگی در رشته الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه قبول شدم و نوشتن را شروع کردم در اولین نشریه دانشجویی پیام نورهویزه خاطراتی از من چاپ شد و در همان سالهای دانشگاه اولین کتاب خودم را به نام روایت گل‌های ابو حمیظه نوشتم و در سال 92 منتشر شد.

بعد از پایان دوره کارشناسی ارشد به زادگاهم برگشتم و شروع به تدریس در دبیرستان و دانشگاه کردم و کتاب دوم خودم را به نام مرواریدهای هور نگاشتم، در سال 95 کتاب ریام و نقاش سرزمین ملائک، در سال 96 کتاب مقاومت زنان دشت آزادگان در جنگ تحمیلی در سال 98 کتاب در حوزه دفاع مقدس که در مسائل فرهنگی و اجتماعی و درام است به چاپ رساندم در کنار نوشتن و تدریس فعالیتهای گسترده ای در زمینه کار آفرینی و اشتغال در زادگاهم انجام داده ام، طرحهای زیادی برای نجات مردم روستا از چنگال فقر با عنوانی چون حوضچه های پرورش، ماهی کاشت زعفران پرورش گیاهان دارویی پرورش بلدرچی کرم خاکی و کود کمپوست صنعت شترداری و گاومیش خدا را شاکرم که موفق شدم 800 فرصت شغلی را برای کار آفرینی ایجاد کنم - در حال حاضر مشاور کار آفرینی و اشتغال زایی مردم دشت آزادگان و هویزه در مجلس هستم

- مشاور فرماندار دشت آزادگان و مشاور بخشدار مرکزی

خداوند میفرماید ما انسان را در رنج آفریدیم و من با تکیه به کلام الهی سعی کردم از سختی های زندگی درس بگیرم و از این سختی ها، پله های ترقی و پیشرفت برای آینده خودم و جامعه بسازم و هرگز از آنها فرار نکنم بلکه همیشه برای این مشکلات به دنبال راه حل های سازنده بوده و هستم و یاد گرفتم که مشکلاتم را با کسی در میان نگذارم جز با خدای خودم و فقط از او در زندگی مدد و یاری میخواهم



در سال 1361 در خانواده ای مذهبی و مهربان متولد شدم دوران کودکی ام در سایه مهر خانواده به خوبی، گذشت پرنرزی بودم و سرشار از انگیزه و امید با اینکه بسیار فعال بودم و همیشه سعی میکردم در عرصه های مختلف سرآمد باشم اما از زندگی انتظار بالایی نداشتم، جرعه ای عشق و آرامش در زندگی من را راضی میکرد با همین دید وارد زندگی متاهلی شدم و تنها برنامه ای که داشتم ساختن آشیانه ای آرام پر از مهر و دوستی برای همسر و کودکانم بود کدبانویی را پیشه ی خودم میدانستم و آنچه سرنوشت برای من در نظر گرفته بود را حتی تصور هم نمیکردم

شریک زندگی ام که با هم عهد عشق و همیاری بسته بودیم، در دام اعتیاد افتاد و رویاهای شیرین من از زندگی را تبدیل به خوابی آشفته کرد سالها نمیتوانستم قبول کنم که کاخ آرزوهایم فرو ریخته بسیار تلاش میکردم با یک بال شکسته، کبوتر زندگی را به مقصد برسانم، کدبانویی را به کار و تلاش طاقت فرسا و کسب درآمد تبدیل کردم تا بتوانم خانواده ام را حفظ کنم و برای دو فرزندم امنیتی در این دنیای بی رحم به وجود بیاورم. آنقدر در کار و تلاش و دغدغه های روزمره غرق شده بودم که آرزوهای شیرین قبل ازدواج و لطافت های زنانگی را فراموش کرده بودم یک تنه به عنوان سرپرست خانواده مانع از سقوط زندگی شوم، اما نشد و از همسر جدا شدم. من ماندم و دو فرزند کوچک و مشکلاتی که باید در مقابلشان زانو میزدیم یا شکستشان میدادم با توکل برا خدا از سد ناامیدی گذشتم و توانستم با تلاش شبانه روز زندگی نو و آرامی برای کودکانم بسازم تصمیم گرفته بودم هرگز ازدواج نکنم و چند سال به همین منوال گذشت، اما اخلاق و ادب و متانت آقای ابراهیم رشید باعث شد تصمیمم به ازدواج مجدد بگیرم و همدمی برای خودم و پدری مهربان و دلسوز برای پسرانم برگزینم، با ابراهیم رویاهای شیرین من یکی یکی زنده میشد و روزگار داشت آن روی زیبایش را به من نشان میداد آقا ابراهیم از فرماندهان مدافع حرم در سوریه بود و

جانش را نثار دفاع از حرم اهل بیت (علیهم السلام) کرد شهید ابراهیم رشید به آسمان عروج کرد و با رفتش من بار دیگر به زمین .خودم شهید رشید جهادگر بود و من هم اکنون سعی میکنم پیرو راهش باشم با جهاد در راه ریشه کنی فقر

مختصری از رزومه کاری

اولین و تنها بانوی ایرانی هستم که مجوز نورافشانی رو دارم

سه سال هیئت مدیره اتحادیه صنایع دستی کشور

نائب رییس اتحادیه صنایع دستی

مدیر عامل و رییس شرکت نگین آسمان شب

مدیر عامل شرکت خورشید

مدیر عامل و عضو هیئت مدیره شرکت مسکن هنرمندان مدیر عامل و رییس هیئت مدیره شرکت میراث گذشتگان عضو NGO زنان کارآفرین

عضو هیئت مدیره شرکت مهر آریا سبز آسیا

عضو هیئت مدیره عدالت تجارت جهانی

تعاونی برتر استان

طرح نویسی و ایجاد کارگاههای کوچک تولیدی

کارگاه انگشتر سازی و صادرات به کشورهای همسایه

دارنده مدرک بازاریابی بین المللی سیناکس

دارنده مدرک ،مدیریت، کارآفرینی

تامین کننده کادو و هدایای نهاد ریاست جمهوری در زمینه صنایع دستی و سوغات کشور

اولین برگزار کننده نمایشگاه بین المللی با حضور 17 کشور در مصلی تهران برگزار کننده اولین همایش بین المللی از 17 کشور در سالن اجتماعات صدا و سیما افتتاح اولین آموزشگاه صنایع دستی خورشید با حضور استاندار وقت و رییس سازمان صنایع دستی

افتتاح اولین کارگاه فرش دستباف تابلو فرش و فرشهای دورو و صادرات همکاری همزمان با دو شرکت صادرات و واردات در زمینه مواد غذایی و دارویی

سنگهای قیمتی و...

زنانی از جنس باور

دارنده کارگاه ساخت انگشترهای مردانه و صادرات

دارنده مدرک سفالگری و مربی سفال در سازمان صنایع دستی اخذ مجوز کارخانه پیتزا آماده از صنایع

اخذ مجوز کارخانه همبرگر آماده از صنایع

دارنده مدرک معرق

دارنده مدرک کامپیوتر

دارنده مدرک حسابداری

در حال حاضر بعد از شهادت همسر با تشکیل گروه جهادی به نام ایشان مشغول کارهای فرهنگی و اجتماعی هستم از جمله

بازسازی مدرسه بعد از زلزله کرمانشاه

ساخت منازل در مناطق زلزله زده

ساخت منزل در روستاها

پخش بسته های معیشتی میان نیازمندان در شرایط کرونا

پخش لوازم تحریر برای دانش آموزان نیازمند

ساخت فیلمهای کوتاه با موضوع مشکلات اجتماعی جوانان و...

من برای فعالیتم قطعاً با مشکلات زیادی روبرو بودم بیشتر مشکلات همراه نبودن خانواده در سالهای اولیه وجود دو فرزند، کوچکم نبودن پول، عدم حمایت مسئولین و شرایط سخت، کاری چون برای پیگیری کارهام باید به شهرکهای صنعتی در شهرهای دیگه میرفتم و همیشه بین کارخانه هایی باید تردد میکردم که هیچ خانمی اونجا نبود مثل کارخانه های قیر و ایزوگام و سیمان و .. از خانواده عزیزم آقا مهرداد و آقا میلاد، پسرهام شهید ابراهیم رشید، آقای هاشمیان و تمام اساتید و بزرگانی که در طول سالهای تلاشم مشاور و پشتیبان من بوده اند کمال تشکر رو دارم.

موفقیت هر انسانی در سایه تلاش بی وقفه صبر و امید به خداوند مهربان حاصل میشود.



متولد 1359 در اهواز

پزشک متخصص دارای بورد تخصصی کودکان، از کلاس پنجم در مرکز فرزندانگان (تیزهوشان) (اهواز) مشغول به تحصیل شدم.

با رتبه 129 در رشته پزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شدم و به دلیل معدل بالا در دوره عمومی بعد از اتمام مقطع عمومی بصورت مستقیم در رشته تخصص کودکان دانشگاه تهران پذیرفته و به عنوان جوانترین دستیار تخصص شروع به ادامه تحصیل کردم

پس از دوره تخصصی جهت انجام طرح تخصص به استان لرستان آمدم و تا کنون در شهرهای بروجرد و خرم آباد مشغول به کار بوده ام.

در کنار تحصیل و فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی موفق به درخشش در حوزه های مختلفی شده ام از جمله :

برگزیده المپیاد زیست کشوری

برگزیده جشنواره حفظ قرآن کریم

برگزیده جشنواره حضرت علی اکبر (علیه السلام) در بخش جوان یاوران به خاطر سالها فعالیت خیریه درمانی

برگزیده نخستین همایش ملی زنان شاخص در حوزه درمان بیماران سرطانی

■ عضو هیات موسس اولین بیمارستان تخصصی خیریه با عنوان دارالشفای زینبیه (سلام الله علیها) استان لرستان

در طول دوران زندگی با توکل بر خدا از مشکلات و موانعی که در پیش داشتم عبور کرده ام و این که الان توفیق خدمت به بیماران محروم

نصیب شده است را لطف الهی می دانم

در مسیر پیشرفت و فعالیت هایم مدیون حمایت های بی دریغ خانواده ام و همسرم که همراه همیشگی در همه فعالیت هایم، بوده میباشم که اگر همراهی و حمایت این عزیزان نبود قطعاً راه دشوارتر می بود امیدوارم که اگر توانی خداوند عنایت میفرماید بتوانم در جهت شادی بخشیدن و آوردن لبخند بر لبان بیماران و خانواده های آنان قدم های موثری بردارم تلاش صبر و توکل بر خدا رمز رسیدن به موفقیت است

ص: 88



به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است در شهر فرزندگان و ادیبان و علما شهر بروجرد " در خانواده ای مذهبی و علم دوست چشم به جهان گشودم درسایه پر مهر پدرومادری گرانقدر و حمایتهای خانواده ام توانستم با وجود سختیها و مشکلات فراوان با توجه به الطاف بی پایان خداوند در مسیر خدمت به خلق خدا و جامعه معلولین و حمایت از نیازمندان قدم بردارم و از این بابت شکرگزار نعمتهای خداوند هستم

به لطف پروردگار موفق به تحصیل تا مقطع دکتری در رشته های ارتباطات و علوم قرآنی شدم و فعالیتهایی داشتم که به اختصار عبارتند از:

مدیر شعبه بنیاد تعاون و توسعه و کارآفرینی زنان ایران شعبه لرستان

■ معاونت امور بانوان شعبه بنیاد مطالعات خانواده قائم مقام سازمان ملل در امور خانواده

■ عضو شبکه ارتباطی زنان کشورهای اسلامی

- عضو هیات موسس مرکز همیاری آموزش و اشتغال و درمان بیماران صعب العلاج ایران

مدیر عامل انجمن خودباوران سماء ویژه معرفی زنان و دختران خودباور

■ عضو هیات موسس انجمن " یاری گران جوان لرستان

مسول امور بانوان کانون نخبگان و اندیشمندان

معاونت پژوهش حوزه علمیه خواهران بروجرد به مدت 7 سال

موسس و عضو هیات مدیره کانون فرهنگی و قرآنی بشری

جوان نمونه کشور در نخستین طرح ملی انتخاب 110 جوان نمونه کشور

جوان نمونه استان در طرح انتخاب 313 جوان برتر زیر نظر سازمان ملی جوانان

جوان نمونه در طرح ملی حکمت ویژه تربیت مدیران آینده

کسب عنوان تعاونی برتر ملی در نخستین همایش نقش زنان در اقتصاد مقاومتی

ص: 89

منتخب شرکت کننده در اولین گردهمائی زنان نخبه فرهنگی و اجتماعی کشور
انتخاب به عنوان زن شاخص ایران در نخستین همایش ملی انتخاب زنان برتر کشور

مربی و مبلغ قرآن سازمان تبلیغات اسلامی شهرستان بروجرد از سال 76 تاکنون

■ مسئول و موسس مرکز خیریه و صندوق قرض الحسنه "رها یافتگان ویژه

حمایت از محرومین و معلولین

■ مدیر مسئول نشریه ظهور

عضو هیات تحریریه ماهنامه "خانواده امروزی"

خبرنگار ایقنا iqnal

■ کسب مقام پنجم امور پژوهش حوزههای علمیه سراسر کشور بخاطر فعالیتهای گسترده پژوهش در زمینه نگارش مقالات با موضوعات
مختلف ارائه راهکارها و شرکت در همایشهای پژوهشی

کارشناس و مجری نخستین طرح حلقه های گفتگوی جوانان

مدیر اجرایی اردوگاههای فرهنگی کمیته امداد امام خمینی در غرب کشور (و کسب دو بار عنوان مدیر نمونه برتر کشور در فعالیتهای
فرهنگی و تبلیغی در بین اردوگاه های کشور

نویسنده منتخب دهمین اجلاس سراسری نماز

■ نویسنده منتخب شرکت کننده در کنگره بین المللی "غدیر و انسجام اسلامی"

عضویت در شوراهای مرکزی انجمنهای اسلامی

مجری طرح آموزش احکام و قرآن ویژه زنان روستایی

مجری طرح تاب آوری زنان و خانواده در استان

ساماندهی 22 هزار نفر کارجو و فارغ التحصیل زن در شاخه های مختلف در طی 10 سال

ایجاد 581 کارگاه مشاغل خانگی زنان و پیگیری مستمر و مجدانه که منجر به دریافت تسهیلات بانکی برای همه این کارگاهها گردید

مشاور و داور برگزیده کشوری و دبیر و مجری نشست آسیب شناسی مهدویت

برگزاری دوره‌های ملی تحت عناوین تاثیر "قرآن در درمان بیماریهای روحی و جسمی و" ارزش زندگی انسان " و "مقام و منزلت و جایگاه شخصیت زن در جامعه کنونی" و صدها نشست و دوره آموزشی با عناوین مختلف در سطح کشور

دبیر اجرایی برگزاری اولین طرح مردان علوی - زنان فاطمی در کشور

تنها مربی قرآن مسلط به خط بریل ویژه نابینایان که تاکنون موفق به تربیت بیش از 30 حافظ قرآن شده ام .

تاسیس و راه اندازی صندوق قرض الحسنه ویژه حمایت از محرومین

■ مولف کتاب هر لحظه با خدا " هم به صورت چاپی و هم بریل برای نابینایان

نگارنده جزوات آموزشی با موضوعات تربیتی - روانشناسی پیشگیریها

کارشناس تلویزیونی و مجری طرح راهکارهای زندگی سالم

قطعا در طول زندگی انسان عوامل مهمی در موفقیت و یا ناکامی نقش بسزایی دارند ، انتخاب درست مسیر زندگی همراه با توکل و توجه به عنایت خداوند هدایتگر انسان به سوی کمال خواهد بود.

انگیزه های زیادی مشوق بنده برای تلاشهایم بوده‌اند، لبخند رضایتی که بر لبان بی پناهی نقش میندود تا لذت اولین درآمدها برای متقاضیان کسب و کار و لذت شادی درمان بیماری و موفقیت علمی و تحصیلی کودک بی سرپرستی و اما یک اتفاق در مصمم بودن عبور از بحرانها و مشکلات کاری ام تاثیر بسزایی داشت روزی دختری معلول را دیدم که بر روی ویلچر بود ، هم مشکل بینایی داشت و هم مشکل گفتاری و هم فلج ، بود در واقع از تواناییهای جسمانی قدرت راه ، رفتن دویدن و درست سخن گفتن را ، نداشت وقتی رهگذری از کنارش گذشت و بلند گفت " خدایا شکر " و ، رفت رو به آسمان کرد و خندید و گفت

الحمد لله ". با تعجب از او پرسیدم با این همه مشکل چطور شکرگزاری می کنی و می خندی؟

با خنده گفت: همین که میبینم خداوند چنان مرا مورد لطف خود قرار داده که جسم ناتوان مرا وسیله ای برای شکرگزاری دیگران قرار داده، می فهمم من هم به " درد خدمت به دیگران میخورم " و خداوند چقدر مرا دوست دارد؛ چرا که مردم با دیدن من به خاطر داشته هایشان " زبان شکر " باز میکنند و شکرگزار نعمتهای خداوند میشوند .

همین باعث شد انگیزه پیدا کنم که هر کسی در حد توانایی ها و دارائیهای جسمی و مادی و معنوی که خداوند به او عطا کرده میتواند به خلق خدا خدمت کند و خدمتگزار دیگران باشد و وسیله ای برای جبران لطف الهی به خودش را فراهم کند

انسان قدرتی فوق تصور ذهن در وجودش دارد و فقط یک چیز میتواند آن را به بالاترین نقطه موفقیت برساند و آن "یقین و باور به داشتههای وجودی خود است. ((اگر خود را باور کنی به ارزشهایی که داری دست پیدا میکنی و موفق میشوی)) در پایان از همه عزیزانی که در طول مسیر زندگی ام همراه و حامی من بودند تشکر و قدردانی را می نمایم و آرزوی سلامتی و بهروزی برای همگان دارم .

ص: 92



سال 1347 در یک روز آفتابی و سوزان تابستان در روستای روئین شهرستان اسفراین استان خراسان شمالی در یک خانواده متوسط مذهبی چشم به جهان گشودم.

مقطع ابتدایی را در روستای خود گذراندم و بعد به خاطر بعد مسافت و مشکلات دوری راه از مقطع راهنمایی انصراف دادم و به آموزش خیاطی و گذراندن دوره‌های خیاطی پرداختم با توجه به استعداد خاصی که در زمینه خیاطی داشتم به سرعت آن را آموختم و موفق به کسب مدارک عالی در این زمینه گشتم. علاقه و توانایی در این زمینه سبب گشت که از سال 1370 به آموزش خیاطی با چرخهای دستی و معمولی مارشال پردازم. ابتدا با گلدوزی روی پارچه‌ها امرار معاش می‌کردم و بدین وسیله با پشتکار و توکل بر خدا توانستم سطح کار خود را ارتقا بدهم و یک چرخ کاجیران خریداری نمودم بابت پرداخت وام‌های این چرخ خریداری شده کار بیشتری را قبول کردم و گلدوزی سرویسهای نوعروسهای روستا را انجام میدادم و هر روز موفقیت بیشتری در این زمینه کسب می‌نمودم چندسال بعد از شروع به کار بنا بر پیشنهاد کارشناس میراث فرهنگی بافتن پارچه را شروع کردم آموزش پارچه بافی در خانواده‌ی ما موروثی می‌باشد و من از مادر گرامی ام آن را آموخته‌ام، بعد از همکاری با میراث فرهنگی به آموزش پارچه بافی در زندانهای بجنورد و اسفراین پرداختم. از جمله موفقیت‌های کاری میتوانم اشاره کنم به برگزاری نمایشگاه صنایع دستی در شهرهای مختلف ایران و همچنین برپایی کارگاههای آموزش پارچه بافی در بسیاری از شهرهای وطن عزیزم. البته برگزاری این کلاسهای آموزشی و نمایشگاهها با مشکلات و سختی‌هایی همراه بود روزهای داغ در کنار جاده در انتظار آمدن یک ماشین و رسیدن به موقع بسته شدن جاده قطع برق قطع تلفن و ارتباطات در روزهای سرد و برف و بورانی اما در کنار تمام این مشکلات یک ذوق و علاقه و عشقی ما را به سر منزل مقصود می‌رساند.

با توکل بر خدا و عشق و علاقه میدویدم و تلاش میکردم که بتوانم اجاره ی، کارگاه، دستگاه پارچهها پرداخت کنم در این دویدن،ها سایه ی پرمهر مادری مهربان از سرم برداشته شد و به رحمت خدا رفتند، من ماندم یک خانه ی 50 متری اجاره ای و همکاری زنان روستا به دلیل درآمد کم و مشکلات، زندگی زنان روستا یک به یک این کار را ترک، کردند باز تنهایی به سراغم آمد و روزهای سخت و تلاشی بسیار و کسی که هیچ گاه مرا تنها نگذاشت و نمی گذارد دوست عزیزم خانم خاکشوری که یار و همدوش من در روزهای سخت تنهایی و تلاش بود و همیشه قدردان محبتهای بی دریغ معاونت محترم صنایع دستی آقای عابدی رئیس محترم میراث فرهنگی آقای محمدی، خانم حقانی خانم کلاته و خانم عربی میباشم پرورش شاگردانی که برخی از آنها در کار خود استاد شده اند و دیدن آثار زیبای آنها برای من همیشه مایهی افتخار است و گامهایم را استوار میکند تا با وجود تمام محرومیتها به کارم عشق بورزم و ادامه بدهم



متولد 1340 بندر عباس

داری مدرک کارشناسی مدیریت برنامه ریزی

بازنشسته بیمه خدمات درمانی

عضو هیئت مدیره و مدیر اجرایی موسسه خیریه ساحل

خیلیج فارس و عضو هیئت مدیره موسسه محک

عضو هیئت مدیره خیرین بیمارستان ساز

عضو هیئت مدیره خانه تشکلهها

همکاری جهت ساخت بخش فوق تخصصی خون و سرطان بیمارستان کودکان و تجهیز آن در سال 1394

افتتاح اولین مدرسه بیمارستانی کشور در سال 1395

بانی بازارچههای خیریه با همکاری بانوان در استان و برگزار کننده جشنواره های بومی محلی و حفظ سنتهای آیینی در هتل هرمز و هتل
هما از سال 1393 تا 1398

از جمله سختیهای کمک به ،بیماران زمانی است که در روند درمان دچار کمبود دارو و تجهیزات ... میشویم با این حال یکی از بهترین

لحظه ها و صحنه های که باعث دلگرمی میشود دیدن بچه های بهبود یافته است

مادرم عزیزم یکی از مهم ترین افراد تاثیرگذار زندگی ام بوده است، و موفقیت های خودم را مدیون ایشان هستم.

حرف آخر اینکه کرونا به ما ثابت کرد که باید برای سلامت جامعه اهمیت ویژه ای قائل بود و برای بهبود شرایط درمانی و پیشگیری از بیماریها تلاشهای بزرگ جمعی صورت پذیرد

ص: 95



متولد 1343 کرمانشاه

دارای پروانه ی تاسیس مجتمع آموزشی از فنی حرفه ای استان کرمانشاه

گواهی نامه ی صنایع دستی از میراث فرهنگی استان کرمانشاه

گواهی نامه ی طراحی دوخت از فنی حرفه ای استان کرمانشاه

مدرک مربیگری از فنی حرفه ای استان کرمانشاه

گواهی نامه ی مدیریت از فنی حرفه ای استان کرمانشاه

گواهی نامه آموزشی - مدیریت از سازمان مدیریت آموزشی استان کرمانشاه

گواهی ایجاد توسعه کسب و کار و کارآفرینی بانوان از طریق الگوی بین المللی

تعاون از وزارت، تعاون کار و رفاه اجتماعی

مدرک کارآفرینی از جهاد دانشگاهی

مجوز تولید از سازمان صنایع و معادن

مجوز تولید از اتحادیه دوزندگان استان کرمانشاه

مجوز مشاغل خانگی از سازمان، صنعت معدن تجارت

اولین زن کارآفرین استان کرمانشاه در سال 1385

بیش از 37 سال سابقه ی آموزش و تولید و همکاری با ارگانهای مختلف و ایجاد اشتغال برای بانوان بدسرپرست و سرپرست خانوار و جوانان جویای کار در طی سالهای فعالیتیم در سال 85 عنوان کارآفرین نمونه، سالهای 87-95 عنوان تعاونی برتر و مدیر نمونه را در زمینه اشتغالزایی و تولید کسب کرده ام. سه دوره رئیس کمیسیون بانوان اتاق تعاون استان کرمانشاه از سال 96-97-98 مدیرعامل شرکت تعاونی مجتمع آموزشی خدماتی (تولیدی- توزیعی)

رئیس بنیاد تعاون توسعه و کارآفرینی زنان استان کرمانشاه

دارای سه تندیس و بیش از 70 لوح تقدیر در زمینههای کارآفرینی، تعاونی برتر و عناوین مختلف دیگر

طی سالهای فعالیت با چالشها و موانع زیادی مواجه شدم از جمله رکود

ص: 96

و نوسانات بازار و مشکلات، اقتصادی ولی با رایزنی و شرکت در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی و عرض‌هی، تولیدات مشتریان خوبی را جذب کرده و توانسته ام این شرکت تعاونی را با وجود این مشکلات به نحو احسن اداره کنم و از غیر فعال شدن آن جلوگیری نمایم. قاعدتا هرکسی در مواقعی دچار یاس و ناامیدی، میشود من نیز از این قاعده مستثنی نبوده ام اما تنها چیزی که برای ادامه ی این راه به من انگیزه میداد، رضایت هدف و عشقم نسبت به کارم بود.

موفقیت هایم در وهله ی اول مدیون عشق و علاقه ام نسبت به این کار بود؛ و در ادامه ی راه هدف بزرگ تری داشتم و آن ایجاد اشتغال و استقلال مالی برای بانوان و جوانان در جامعه بود.

از زحمات پدرم و مادرم و اولین مربی ام کمال تقدیر و تشکر را دارم

برای رسیدن به موفقیت هیچوقت دست از تلاش برندارید و نگذارید ناامیدی و جریان های منفی بر شما هدف و کارتتان غلبه کند.



آنچه را که خداوند در سرنوشتم رقم زده خارج از حیطه عقل و باور من است حتی در خواب هم رویای شیرینی به سراغم نمی آمد.

زندگی من زندگی بود که اشتباها از سر من! گذشت زمانیکه چشم گشودم و خودم را شناختم احساس میکردم یک فرد اضافه هستم، در خانواده همیشه بین من و بقیه فرق بود ساعت، ها روزها، ماهها و سالها را با غمی غریبانه پشت سر گذاشتم در خانواده ای زندگی میکردم که یک چشمم اشک و یک چشمم خون بود. اکثر کار منزل برعهده من بود، دستهایم شاهد زحمات من است هر چقدر کار میکردم نادیده گرفته میشد تکالیفم را بین راه مدرسه و منزل مینوشتم که مبادا وقت کم بیارم و تکالیفم را ننویسم ترس بحث و مشاجره خانواده یک طرف ترس معلم از طرف دیگر اما خوشبختانه همیشه رتبه اول کلاس بودم دوران دبستان به هرسختی که بود تمام شد خوشحال بودم که بزرگ شدم و برای خودم کسی هستم. به همکلاسی هایم درس میدادم و از آنها پول میگرفتم، خوشحال بودم که نیازی به کسی ندارم و دستم تو جیب خودم است. دوران راهنمایی رفتم آموزش تزییقات برخلاف میل باطنی خانواده تزییقات انجام میدادم و این هم شد یک منبع درآمد.

هیچکس از سوز درونم باخبر نبود غرور و احساسم میشکست و با غم بی پایان خود سوختم و ساختم، همیشه ذهنم مشغول بود اما با این اوصاف به آینده امیدوار بودم و تلاش میکردم همین باعث شد در تمام کارها موفق باشم میخواستم خودم را متقاعد کنم که زندگی شیرینی انتظارم را میکشد همیشه میخواستم به خودم متکی باشم به خودم میگفتم اعتماد به نفس نشانه رشد و شخصیت انسان است و باید به جای اتکا به دیگران به خودم اعتماد کنم تا مورد قبول همه قرار بگیریم و همین باعث شد که دانشگاه قبول بشوم، در حین درس خواندن در روزنامه ای خواندم که شرکت گاز درخواست نیرو دارد

رفتم و با هر بدبختی بود پذیرش شدم اصلا کار اداری مثل تایپ و غیره بلد نبودم اما اعلام کردم که مهارت دارم باید تلاش میکردم و تسلیم نمیشدم آموزشگاهی پیدا کردم و دوره ماشین نویسی را ثبت نام کردم، 15 روزه تایپ را یاد گرفتم و با مدرک آن به عنوان منشی استخدام شدم، با تمام توانم کار میکردم و در دانشگاه مشغول تحصیل هم بودم، بعد از سه ماه مدیر عامل از عملکردم راضی بود و از منشی به حسابدار ارتقاء پیدا کردم، شش ماه حسابدار بودم و با حفظ سمت معاون منطقه شدم در سال 1376 به سمت ریاست منطقه منصوب شدم و تا سال 1382 رئیس شرکت گاز منطقه بودم. سال 1383 این توانایی را در خودم دیدم که برای خودم کار کنم، شرکتی به نام بارانداز درسا ثبت کردم و کار بسیار مردانه ای را شروع کردم از آنجاییکه خداوند مرا دوست داشت و اعتماد به نفسم بالا بود در سال 1385 امتیاز شرکت تخلیه و بارگیری پارسا ساحل خزر را خریداری کردم سال 1386 مدیر عامل اسبق شرکت گاز پیشنهاد شراکت شرکت سحر گاز را در اردستان اصفهان به من داد با پیشنهادشان موافقت کردم و بخاطر فعالیت هام مجبور شدم یک هفته اردستان و یک هفته بندرعباس باشم. چون سختیهای زیادی در زندگی کشیده بودم با خودم عهد بستم که تا قدرت دارم خدمت به خلق کنم، اولین بانویی بودم که شرکت تخلیه و بارگیری و واردات و صادرات داشتم و اولین بانوی رییس شرکت گاز بودم موسسه ای بنام سفیر صلح و دوستی ثبت کردم تا برای کمک به زندانیان و اعدامی ها قدم بردارم.

موسسه ای بنام بانوی مثبت ثبت کردم و خوشحالم که صدها نفر تحت پوشش دارم، لذت میبرم که عمرم را در این راه ها می گذرانم.

درس وکالت و طب سنتی را خیلی دوست داشتم، دانشگاه قائم شهر وکالت قبول شدم و اینجا کار من خیلی سخت شد طب سنتی در تهران وکالت در قائم شهر و کار تجارت در بندرعباس کنار این همه کار وارد عرصه کارآفرینی هم شدم و سال 1397 بزرگترین سردخانه جنوب کشور و بزرگترین سردخانه

بنادر خاور میانه را کلنگ زدم خوشحالم و از خداوند شاکرم که روزیروز ذهنم بازتر و اعتماد به نفسم بیشتر میشود

از دیگر فعالیتهای من در طول زندگی میتونم اشاره کنم به

مدیر مهد کودک

مدیر آموزشگاه خیاطی صدرا

رئیس شرکت ایزوگام طلایی صادرات سنگ آهن به کشور چین

صادرات خرما به آلمان و انگلیس

صادرات میوه و تره بار به عراق و دبى عضو اتحادیه گمرکی

تاسیس شرکت گردشگری تفریحی ژرف امواج

نائب رئیس هنرهای رزمی توا

مشاور هنرهای رزمی نیوکونگ فو

اخذ گواهینامه داوری درجه یک نیوگونگ فو از فدراسیون کشور

اخذ گواهینامه داوری کیک بکس از فدراسیون کشور

مسئول هنرهای تجسمی

فرمانده ناحیه سه امر به معروف

خادم زائرین آقا امام رضا (علیه السلام)

من در زندگی آموخته ام فرصت ها و شانس ها اغلب در بطن مشکلات و گرفتاریها پنهان هستند، رنج، درد زحمت و مصیبت از بزرگترین معلمان و مربیان، بشرند اشخاصی که شکست و مشقت را مانند دیو میبینند و جرات نزدیک شدن به آن را ندارند به هیچ عنوان نمیتوانند به آرامش برسند هیچ چیز به اندازه درد و سختی و اخلاق نیک و اعتماد به خدا روح انسان را بزرگ نمیکند



متولد 1360 استان کرمانشاه

دارای گواهینامه فرش درجه یک و درجه 2 گلیم، رنگرزی، رفوگری ناظر فنی کارشناسی گمرک فرش و مارکتینگ دیجیتال هستم

بیش از 10 سال در حوزه های مختلف صنایع دستی مشغول به فعالیت بوده ام و در زمینه آموزش و ایجاد بستر کار برای زنان روستا و زنان سرپرست خانوار تلاشهای متعددی انجام داده ام و به یاری خدا تاکنون موفقیت‌های مختلفی کسب کرده ام از جمله :

سرپرست بخش فرش و صنایع دستی هسته ی فناور

کاندیدای بانوی ابریشم باف گرجستان

شرکت کننده نمایشگاه مجازی 2020 ترکیه

شرکت کننده بیست و هشتمین نمایشگاه بین المللی ایران

برگزار کننده اولین نمایشگاه خصوصی فرش و تابلو فرش در استان کرمانشاه و نمایشگاه تخصصی برای توانمند سازی زنان روستا در برج میلاد

دبیر جشنواره مجازی 2020 زنان کارآفرین بالندگی اقتصادی در استان

من در طول زندگی با مشکلات و موانع و سختیهای فراوانی در طول زندگی روبرو بوده ام از جمله حادثه ناگهانی و بیماری دائمی همسرم، نبود بسیاری از امکانات مشکلات مالی و مشکلاتی که هر روز به شکلی جدید سرراهم قرار میگرفت و انرژی و صبر من رو تحت

الشعاع خودشون قرار میداد، خداوند رو شاکرم که توانستم با عنایت خودش از این موانع با سربلندی رد بشم و همچنان مشغول به فعالیت باشم

رمز موفقیت من توکل بر خدا و باور اینکه خدایی هست که بر همه چی آگاه و بیناست و هیچ وقت من را به حال خود نمی گذارد چرا که بارها به مرز شکست و ناامیدی رسیدم و دردهایی رو تجربه کردم که حتی تداعی آنها برایم زجرآور است، اما خدای

بزرگ همیشه کنارم بوده و هست و من را هر روز به اهدافم نزدیکتر میکند .

ص: 101

تاثیرگذارترین افراد در زندگی من همسرم مادرم خاله ام شریک کاری من (است هستند که در تمام مسیر حامی و مشوق من بوده اند.

همه عزیزان را به تلاش و صبر دعوت مینمایم و این جمله را به همه بزرگواران هدیه میکنم

وسیع، باش سربزیر و سخت، کوش زیرا هزار بار شکست خورده ام و الان هزار راه جدید برای ساختن پیدا کرده ام.

ص: 102



از دوران کودکی چیز زیادی بخاطر نمی‌ارم

تقریباً 6 ساله بودم که متوجه شدم در یک طائفه کاملاً سنتی، مذهبی و تعصبی رشد و تربیت می‌شوم

که بشدت مخالف تحصیل دختران بودن و در واقع دختران حتی اختیار انتخاب همسر (شریک زندگیشان) رو هم نداشتن

اما در بین این طائفه بزرگ مادر بزرگم تنها زنی بودن که بسیار فعال و توانمند بودن و در همان زمان استقلال مالی حتی از مردان هم جلوتر بودن.

ایشون هم طبابت یا به عبارتی حکیمی برای خودشون بودن که در زمینه درمان نازایی از مراکز استانهای دیگه هم بهش مراجعه میکردن و هم مامایی و بیتال (شکسته بند یا ارتوپد) و از همین کسب درآمد گله ای بسیار بزرگ با چندین کارگر رو مدیریت میکردن.

و چیزیکه بیشتر توجهم رو جلب میکرد فی البداهه شعرهای هم وزن می سرودن

●

و مهمتر از همه با وجود زن بودنش همچون رئیس یک قبیله یا کدخدا مورد عزت و احترام بزرگان نه تنها طائفه بلکه رودان اعم از زن و مرد بودن. و مادر بزرگم الگویی شد که یک زن میتواند موفق باشد

ناگفته نماند از همان دوران علاقمند به کارها و بازیهای پسرانه بودم و بسیار نترس که پدرم منو شیر خطابم میکرد فقط شیر بدون هیچ پسوندا یا پیشوندی.

به هر طریقی بود با حمایت‌های مادرم تا دوم راهنمایی درس خوندم که ورق زندگی‌م به ناگاه برگشت و در تابستان همان سال مادرم رواز دست دادم.

ص: 103

مرگ مادرم و حضور زن بابا در خانه بدون هیچ حامی مخالفت پدرم برای ادامه تحصیلم رو صد چندان کرد .

بالاخره با خواهش و واسطه قرار دادن مادر بزرگم تا سوم راهنمایی (سیکل) رضایت دادن . و بعد از دوران راهنمایی مانع تحصیلم شدن و مجبور به ترک تحصیل شدم . یکسال در خانه موندن و عدم علاقه به امورات زنانه برایم زجر آور بود

بالاخره با کمک یکی از خواهرانم هزینه فرم مدرسه و کتاب و ثبت نام رو مهیا کردم و بدون اطلاع پدر و برادرانم ثبت نام کردم . و زمانیکه پدرم و آگاه شدن بسیار ناراحت و عصبانی که نیازی به توضیح بیشتر نمی بینم بهم اخطار و اتمام حجت کردن که در هزینه مدرسه انتظار هیچ کمک مالی از من نداشته باش . و همه چیز رو پذیرفتم و تمام سختیها رو حاضر بودم بجان بخرم ولی ادامه تحصیل بدم اما گویی سرنوشت با من کج افتاده بود . سال دوم دبیرستان که قبول شدم و برای ثبت نام سال سوم متوسطه رفتم گفتن بدلیل آمار پایین این رشته کلاس در رودان تشکیل نمیشه و تقریبا 10 تا 12 نفر بودیم که هر روز به آموزش و پرورش مراجعه میکردیم و التماس و خواهش میکردیم کلاس رو دایر کنند. اما امکانش نبود . ناامید در خانه موندم تا اینکه مطلع شدم دانشسرای مقدماتی بندرعباس از قبول شدگان دوم دبیرستان دانشجو می پذیرد اما بشرط قبولی در آزمون ورودی که موفق شدم در سال 67 بعنوان دانشجو تحصیل کنم و در مهرماه 69 به عنوان مدیر آموزگار درس 18 سالگی در یکی از روستاهای دورترین بخش رودان خدمتم رو شروع کردم. و اینجا بود که فقر مالی خانواده دانش آموزانم رو با همه وجودم لمس و احساس میکردم

و اینکه هر ساله تعداد زیادی از دانش آموزان بعزت فقر مالی و عدم حضور پدر و مادر در خانه سبب ترک تحصیل آنها میشود و جرقه ای شد برای من که زنان رو در خانه مشغول به فعالیت کنم این بود که اولین جشنواره تولیدات زنان روستایی رو مدیریت کردم و اولین جشنواره در مرکز استان بود و بسیار مورد توجه قرار گرفت. و انگیزه و امید را در زنان روستایی ایجاد کردم که زنان روستایی هم میتوانند در اقتصاد خانواده در کنار همسر حتی در خانه مشغول باشند. و بعداً موفق به ثبت شرکت تعاونی تولید و بسته بندی فرآوردههای محصولات گرمسیری شدم و به کمک همین بانوان هر ساله ترشیجات زیادی تولید و با فروش در نمایشگاهها کمک مالی برای بانوان شد. و سپس بعنوان مسئول امور بانوان بخشداری کارگاههای تولید پوشاک سنتی و نان و شیرینی محلی و حتی بانوان در زمینه کشاورزی با اندک زمینی که داشتن مشغول به فعالیت شدم. اما باز هم انگار یک مهره گمشده داشتم که راضی نبودم. بالاخره به همکاری جهاد کشاورزی صندوقهای خرد زنان که هم اکنون ده صندوق فعال هستن رو شروع کردیم

و درکل مرکز رودان 17 صندوق که بیشترین صندوق در بخش جغین بود اما باز هم تعدادی از بانوانی که یا به لحاظ جسمی و یا سنی توانایی اینگونه فعالیت رو نداشتن بنابراین با ارتباط با موسسه های خیریه و نیکوکاری کمکهای مالی براشون انجام میدادیم تا اینکه عضو هیات مدیره سه موسسه شدم و از این طریق موفق به خدمات دهی بیشتر این قشر شدم و در مهرماه 98 دوران بازنشستگی با سابقه 30 سال خدمت در مناطق روستایی فرا رسید و به فکر تجمیع و هماهنگ کردن بانوان کار آفرین جنوب شرق شدم که تا بحال چندین همایش و جلسات برگزار نمودیم

تأثیر گذار ترین افراد در زندگی ام فرزندانم ، خواهرم سهیلا که قطع نخاعی هستن و پسر عمویم دکتر نجفی و سید حمید نیا و بخشدار بخش جغین جناب ناصحی و جمعی از دوستانم مخصوصا خانم موذنی و جناب دکتر کردی و مطالعه زندگینامه افراد موفق کشور بوده است

همیشه باور داشته ام که ایمان و اعتماد به خداوند و این که خداوند ما را از جنس خودش خلق کرده و توانمندی هر کاری را داریم.

عزیزانم :

زندگی را سخت نگیریم چون ما انسانها زندگی بسیار خارق العاده ای داریم و ما اشرف مخلوقات شایستگی و لیاقت هر چیزی که در رویاهایمان مرور می کنیم را داریم کافی است خودمان و جایگاهمان را بیشتر بشناسیم

ص: 106



متولد مازندران

سرکار خانم ایران نامی را میتوان مادری مهربان برای فرزندان بی پناه پشتوانهای استوار برای تشکلهای مدنی و الگوی مناسب برای یک زن فعال ایرانی دانست .

موسس نخستین بازارچه خیریه در استان مازندران

مدیر موسسه خیریه غنچه های گل یاس

عضو موسس جمعیت دوستداران بهزیستی مازندران

ایشان را میتوان از پیشروان نهضتی دانست که نقش اجتماعی بانوان را پررنگ تر از همیشه نمایان ساخت

تلاشهای ایشان در راستای اعتلای کرامت زنان سرپرست خانوار با ایجاد اشتغال و آموزش و مشاوره هیچگاه از خاطرها نمی رود.

انوار سخاوت و گرمای نگاه مهرگسترش ، یخ ناامیدی زندگی افراد بسیاری را آب نمود و گرد نامرادی را از چهره بختشان زدود حتی روزهای سخت بیماری از اراده آهنین او نکاسته بود .

سالها تلاش در حوزه تشکلهای مردمی و برگزاری همایشها و دورههای مختلف و تلاش موثر در هدفمندی فعالیتهای اجتماعی و .. از خدمات ارزنده ایشان می باشد.

کسی که از عنفوان جوانی تا زمان مرگشان همه جغرافیای استان وامدار خدمات بی شمار است که نام خیریه با او تداعی میشود

به طور قطع موفقیت‌های ایشان نتیجه همیاری و همدلی همسر بزرگوارشان که خود از فعالین و خیرین بزرگ و از هنرمندان نامدار کشورند
میباشد روحشان شاد

یادش گرامی و نامش ماندگار

ص: 107



متولد 1339 قزوین ساکن اصفهان

در سال 1361 موفق به اخذ دیپلم سوزن دوزی و ملیله دوزی در شهر اصفهان شدم که این موفقیت اولیه با توجه به شرایط آن سالها مرا مصمم نمود تا این هنر اصیل را مصمم تر پیگیری نمایم و بدین منظور شروع به فعالیت بیشتری کردم بدین صورت که در منزل سفارش کار می‌گرفتم و اوقات دیگر را صرف تحقیق و مطالعه در این زمینه نمودم تا اینکه گستره کار به 170 نوع سوزن دوزی رایج و غیر رایج گلدوزی با چرخ دستی و چرخ صنعتی منجر گردید. - در سال 1370 اولین آموزشگاه صنایع دستی در ایران و در شهر اصفهان را دایر و به ارائه خدمت مشغول گردیدم که صورت خدمات به شرح ذیل می باشد - سفر به حومه اصفهان به اتفاق سایر کارمندان اداره فنی و حرفه ای به منظور نظارت و برگزاری آزمونها در شاخه های کف بافی، گلسازی، صنایع دستی (پولک) و منجق سرمه دوزی قلاب دوزی، سکه دوزی، رودوزی بلوچ دوزی گوشه، دوزی کتیبه دوزی فلز دوزی و سایر انواع دوختها و... آرایشگری خیاطی و طراحی دوخت همکاری جهت برگزاری نمایشگاه هایی که در سازماهای فنی و حرفه، ای اداره، کار اداره فرهنگ و ارشاد آموزش و پرورش، توریسم و گردشگری صنایع دستی، خیریه دانشگاه هتلداری، تعاون، صدا و سیما، موزه ایران باستان آستان قدس رضوی مبدول گردیده است از جمله

- اولین نمایشگاه مقام زن در استان تهران

- اولین نمایشگاه صنایع دستی در همدان - نمایشگاه صنایع دستی در استان اصفهان که مورد تایید و تقدیر توسط بیت امام خمینی واقع گردید.

- اولین نمایشگاه حجاب زن از طرف اداره کار برگزار گردید و مقام اول را در استان اصفهان از آن خود کرد.

همکاری با انجمن امام زمان (عج) در زمینه آموزش هنرهای دستی و چرمی و

- همکاری با آموزش و پرورش در مقطع کار و دانش جهت آموزش و ممتنع آزمونها در زمینه صنایع دستی در مقطع راهنمایی و دبیرستان آموزش و ممتنع آزمونها در رشته طرح کاد

- اجرای سری برنامه آموزشی در زمینه سوزن دوزی و شمع سازی در مرکز صدا

سیما استان اصفهان

- برگزاری نمایشگاه در اولین جشنواره الگوهای برتر

- برگزاری نمایشگاه جهت اداره کمیسیون امور بانوان در استانداری استان اصفهان

برگزاری نمایشگاه دو ساله جهت خود اشتغالی در اداره کار - اولین نمایشگاه در زمینه ،طراحی دوخت و اجراء لباسهای محلی ایران زمین و اقوام مختلف آن واقع در تورنتو کانادا طی دو دوره متوالی و همچنین شرکت در برگزاری سایر نمایشگاههای مربوط به صنایع دستی و سایر زمینهها در داخل و خارج از کشور که تماما مورد تحسین و تقدیر کتبی واقع گردیده است.

- داوری مسابقات المپیاد هنرهای دستی واقع در دانشگاه

- استان اصفهان و همچنین برگزاری نمایشگاه طی دو دوره متوالی

- داوری مسابقات طی 3 دوره برگزار شده در زمینه ابتکار سوزن دوزی واقع در استان اصفهان - داوری مسابقات جشنواره ملی جلوههای رضوی طی سه دوره متوالی

عضو کمیته داوری جشنواره الگوهای برتر

- اولین نماینده انحصاری آموزش چرخهای کامپیوتری شرکت الناز کشور سوئیس

- مؤلف و ناشر کتاب سوزن دوزی

- عضو صنعتگر صنایع دستی

- دارای گواهینامه بین المللی مربی گری

- مدیریت صنایع دستی

- مؤسس آموزشگاه ترمه در زمینه صنایع دستی و چرخهای دستی و کامپیوتری

- دارای دیپلم عالی بافی - دارای دیپلم آموزش چرخهای کامپیوتری از سوئیس مشارکت در تولید و تعادل در زمینه صنایع دستی بانوان اصفهان و حومه - آموزش و هدفمند کردن گروه زیادی از بانوان خانه دار در امر تولیدات خانگی جهت رفع نیاز و درآمد زایی و به طور کلی اشتغال زایی در استانهای اصفهان و حومه - خوزستان و هرمزگان و استان خراسان رضوی و کرمان

- همچنین تحقیقاتی در جهت شناسایی آثار دوره سامانی و مدرن کردن طرح نهایی جهت اجرای جلوه ای از نمادهای آن دوران در قالب هنر اصیل سوزن دوزی که این مجموع طرح بنا بر اقتضای مکان در قالب 3 دیوار پوشش در هتل 5 ستاره داریوش واقع در جزیره زیبای کیش منجر به عرضه دیدار عموم واقع گردیده است و جزء جاذبههای دیدنی این جزیره میباشد فعالیت مستمر به مدت دو سال در استان هرمزگان که بیش از 9 روستا و برخی مناطق محروم را تحت پوشش داشته است.

- این فعالیتها در جهت شناسایی و شناخت و سازماندهی کلیه دوختههای صنعتی این مناطق از جمله گلیم بافی و فرش بافی و سایر دوختههای این سرزمین می بوده است تدبیر به کار رفته در این برنامه جهت زنده ماندن و جلوگیری از زوال و فراموشی این هنر اصیل ایرانی و احداث کارگاه های آموزشی با هدف تولید به مصرف بوده است ره آورد این فعالیت مدرنیزه شده این هنر اصیل و معنادار و انتقال آن از نسل گذشته و مادران به دست فرزندان این خاک بوده است همچنین بدنبال آن رونق و رواج این هنر در صنعت توریسم و گردشگری نیز بی تأثیر نبوده است به طور کلی در طی این سالهای نامبرده فعالیتهای دیگری نیز انجام شده است که مختصر آنها به شرح زیر می باشد

- آموزش و طراحی و تولید و اجرای انواع پرده و دیوار پوش و آباژور و لوستر و تابلوها جهت مصرف در تعداد زیادی هتل و منازل مسکونی و کافی شاپ

طراحی و دوخت و تولید و آموزش عروسکهای محلی و تزئینی

- آموزش و تولید و ساخت انواع شمعهای تزئینی و مس و انواع گل های تزئینی تاج سر دستمال سفره رومیزی و جانماز و سجاده انواع روتختی و ملحفه - کلاه

و کیف و کفش تزئین انواع لباس عروس و لباس شب و سایر خدمات دیگر از جمله طراحی و دیزاین

حال که در این سفر پر رمز و راز و پرفراز و نشیب نظاره گر دستان پر مهر و صادق هستیم که طرح زندگی و امید را نشأت گرفته از لحظه های زندگی با امید آسمان بی کران نقش می،زند، پرده ای بکر و بی ریا برای تصویر کشیدن آن طلب را در ما ریشه میزند و آن جا جایی نیست مگر پهنه - بی غل و غش و مؤمن ترمه.

ص: 111



متولد 1362 شهربابک

عمده فعالیت من در زمینه تراش سنگهای قیمتی و نیمه قیمتی چون نگینهای فیروزه، یشم، انواع عقیق و آموزش آن است اما در زمینه سنگهای ماه تولد و فیروزه

کوبی روی مس و برنج و همچنین در زمینههای چرم، شیشه تابلو، سنگ و پلکسی هم فعالیت دارم

بیش از 10 سال است که در زمینه صنایع دستی به خصوص سنگهای قیمتی و نیمه قیمتی فعالیت دارم فوق دیپلم طلا و جواهر گرایش سنگهای قیمتی و نیمه قیمتی از دانشگاه علمی کاربردی کرمان و کارشناسی ارشد فناوری اطلاعات از دانشگاه مازندران میباشم

فعالیت کاری

نشان توانمندی دو ستاره در سال 96

کسب رتبه برتر استانی در دوازدهمین جشنواره تعاونیهای برتر استان کرمان در سال 96

کسب رتبه تعاونی برتر در چهاردهمین جشنواره تعاونیهای برتر استان کرمان در سال 98

کارآفرین برتر شهرستان در سال 98

کارآفرین برگزیده دانشگاه علمی کاربردی استان کرمان در سال 98

تعاونی قابل تقدیر استان در سال 98

کسب رتبه دوم تیمی ایده های برتر نخستین استارتاپ فیروزه دانشگاه علمی کاربردی شهر بابک

مدرس دوره های آموزشی فیروزه کوبی و تراش سنگهای قیمتی در مرکز رشد فناوری های فیروزه دانشگاه علمی کاربردی شهر بابک

انجام کارهای تولیدی و راه اندازی یک کارگاه مجهز مطمئنا برای یک خانم

به خصوص خانمی که مسئولیت هایی نیز در خانه خود دارد، کار آسانی نبوده است چرا که فعالیت در حیطه سنگهای قیمتی و نیمه قیمتی مثل فیروزه که از یک طرف مشکل تامین ماده اولیه سنگ راف دارند و از طرف دیگر خلق یک محصول با کیفیت و در مرحله، آخر یافتن بازاری مناسب و درخور محصول تولیدی است خود با مشکلات بسیار همراه است. اما من به یاری خدا توانسته ام تا کنون به بهترین نحو عمل کنم و با وجود مشکلاتی مثل نداشتن سرمایه و مکانی برای عرضه و فروش محصولات هم در شهر و کشور با سختیهای فراوانی کار را ادامه دادم.

خوشبختانه من با وجود همسر و فرزندی که نه تنها مانعی برای من نبوده اند بلکه مشوق من هم بوده اند و همچنین اساتید بسیار خوب و وظیفه شناسی که در این مسیر با آنها آشنا شدم مشکلات را که توکل به خدا و یاری اطرافیانم حل کرده ام و حل میکنم تحصیلات بنده کارشناسی ارشد فناوری اطلاعات از دانشگاه مازندران است. پس از پایان تحصیلات در حوزه دانشگاه به عنوان مدرس مشغول کار شدم و به مدت 4 سال کار تدریس را ادامه دادم. علی رغم علاقه ای که به تدریس داشتم و زحماتی که کشیده بودم بعد از مدتی کار تدریس من را راضی نمیکرد و انرژی بیشتری در خودم میدیدم به نحوی که احساس می کردم توانایی بیشتری در زمینه کار کردن و کارآفرینی دارم. زمانی که در دانشگاه تدریس می کردم و آن محیط کلیه توقعات من را نسبت به محیط اطرافم و حسم نسبت به انجام کاری فوق العاده ارضا نمی کرد واقعا ناامید بودم که باز هم خدای متعال و خانواده عزیزم پشتیبان من شدند که قدم در راه کنونی بگذارم. موفقیتهايم را مدیون تربیت صحیح خانوادگی و همراهی خانواده ام می دانم. و اهم همه موضوعات وجود معادن فیروزه شهر بابک مرا واداشت که باید برای همشهریانم کاری مفید انجام داده و همچنین نام شهرم شهر بابک را به بهترین شکل ممکن به کلیه جهان معرفی کنم از آن جایی هم که ساکن شهرستان شهر بابک بودم با وجود معادن فیروزه شهر بابک به عنوان یکی از

غنی ترین و با کیفیت ترین گنجینه های سنگهای تزئینی کشور مرا به این فکر انداخت که وارد حرفه تراش سنگهای قیمتی شوم از همین رو در سال 92 یک شرکت راه اندازی کردم و کار تراش سنگهای قیمتی را زیر نظر استاد عزیزم جناب آقای محمدرضا محمودی فرا گرفتم و به پایان رساندم و با وجود مشکلاتی که بر سر راه هم بود اما هیچ گاه ناامید نشدم.

افراد زیادی برای من شایسته تقدیر هستند و در موفقیت‌هایم نقش داشته اند

از جمله :

پدر و مادر عزیزم

همسرم غلامرضا محمودی

استادم محمدرضا محمودی

استادم رابعه خراسانی

فرزندم پارسا محمودی

دوستم مینا یوسفی

من معتقدم هیچ گاه هیچ تلاشی بی نتیجه نمی ماند و این که انسانهای معمولی آرزو دارند و انسانهای موفق هدف

ص: 114

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

